

پدیده و نظریه‌های انقلاب

جک ای. گلدستون، لئونید گرینین و آندری کوروتایف

در تاریخ جوامع پیچیده‌ی انسانی، انقلاب‌ها طی سده‌های متمادی مشاهده شده‌اند.¹ سیاست در برخی مناطق، برای نمونه، دولت‌شهرهای یونان و روم باستان و نیز بسیاری از جوامع شرقی را می‌توان به‌صورت کشمکش میان گروه‌های اجتماعی و سیاسی بر سر توزیع منابع و قدرت در نظر گرفت؛ کشمکش‌هایی که در برخی موارد به انقلاب‌هایی منجر شدند که رژیم‌های سیاسی و اجتماعی را به‌گونه‌ای قابل‌توجه دگرگون کردند. با این حال فقط از آغاز دوره مدرن است که انقلاب‌ها به یکی از نیروهای محرک اصلی پیشرفت تاریخی تبدیل و به شکل‌گیری انواع جدیدی از رژیم‌ها و بازآرایی روابط قدرت در مقیاس جهانی منجر شدند.² نوسازی پیشرفته دولت و دگرگونی‌های عمیق اجتماعی که با حاکمیت واقعی مردم و دولت‌های حزبی همراه است، معمولاً با انقلاب‌های بزرگ اجتماعی و سیاسی پیوند دارد؛ از جمله انقلاب‌هایی که در بریتانیا، فرانسه و در دیگر کشورهای اروپا، آمریکای شمالی و سپس در سایر نقاط جهان از سده‌ی هفدهم به بعد نیز رخ دادند (برای نمونه، مراجعه کنید به Goldstone, 2014b؛ Travin & Marganiya, 2004).³

از دوره‌ی مدرن به بعد، در اغلب موارد انقلاب‌ها از تنش‌هایی ناشی شده‌اند که در نتیجه نوسازی سریع اقتصادی شکل گرفته‌اند (Foran, 2005؛ Grinin, 2012c, 2013؛ Grinin, 2005). همچنین مراجعه کنید به فصل «موج‌های انقلابی دوره آغازین مدرن: انواع و مراحل» [Tsygankov, 2022]، در این مجموعه). تبعات چنین نوسازی‌ای رشد انفجاری جمعیت، شهرنشینی، افزایش سهم جمعیت جوان، منابع جدید درآمد، جابه‌جایی در تحرک اجتماعی، افزایش نابرابری و آشکارتر شدن فساد بود. از این‌رو، می‌توان انقلاب‌های مدرن را نتیجه دگرگونی‌هایی دانست که در جریان فرایند توسعه شکل می‌گیرند؛ دگرگونی‌هایی که طیفی گسترده از تنش‌ها و تعارض‌های اجتماعی را به‌وجود می‌آورند. این امر نشان می‌دهد که این انقلاب‌ها نه رویدادهایی تصادفی، بلکه محصول طبیعی تناقض‌های اجتماعی-سیاسی ناشی از توسعه سریع هستند. مطالعات گوناگون وجود رابطه‌ای میان انقلاب‌ها و میزان نوسازی یک جامعه را نشان می‌دهند (برای نمونه، مراجعه کنید به Lipset, 1959؛ Olson, 1963؛ Huntington, 1968؛ Epstein et al., 2006؛ Boix, 2011؛ Mau & Starodubrovskaya, 2001؛ Butcher & Svensson, 2016)، هرچند نوسازی علت مستقیم انقلاب‌ها نیست، بلکه یکی از پیش‌شرط‌های اصلی آن‌ها به شمار می‌رود (همچنین مراجعه کنید به فصل «موج‌های انقلابی دوره آغازین مدرن:

¹ مراجعه کنید به Sorokin (1925)، (Forrest (1979)، Eisenstadt (1978)، Goldstone (2014b)، Shaban (1979)، Ober (1998)، (Syme (2002)، Korotayev (2004)، Grinin (2004a)، b2004، 2010، 2011، 2014؛ همچنین مراجعه کنید به فصل «انقلاب‌ها و فرایند تاریخی» (Grinin, 2022c) و فصل «تکامل و گونه‌شناسی انقلاب‌ها» (Grinin, 2022a) در این مجموعه.

² مراجعه کنید به Katz (1999)، (Goldstone (2014b)، Grinin (2007)، Semenov et al. (2007)، Travin and Marganiya (2004)، (Grinin 2012c؛ a2018؛ b2018؛ a2019؛ b2019؛ همچنین مراجعه کنید به فصل «انقلاب‌ها و فرایند تاریخی» (Grinin, 2022c)، فصل «تکامل و گونه‌شناسی انقلاب‌ها» (Grinin, 2022a)، و فصل «درباره وضعیت‌های انقلابی، مراحل انقلاب و برخی دیگر از جنبه‌های نظریه انقلاب» (Grinin, 2022b) در این مجموعه.

³ همچنین مراجعه کنید به فصل «انقلاب‌ها و فرایند تاریخی» (Grinin, 2022c)، فصل «تکامل و گونه‌شناسی انقلاب‌ها» (Grinin, 2022)، فصل «انقلاب و بن‌بست‌های نوسازی» (Grinin, 2022d)، فصل «گونه‌شناسی و اصول پویایی موج‌های انقلابی در تاریخ جهانی» (Rozov, 2022)، فصل «موج‌های انقلابی دوره آغازین مدرن: انواع و مراحل» (Tsygankov, 2022)، فصل «انقلاب‌های اروپایی و موج‌های انقلابی سده نوزدهم: علل و پیامدها» (Grinin, 2022e)، و فصل «موج‌ها و خطوط انقلابی در سده بیستم» (Grinin & Grinin, 2022) در این مجموعه.

انواع و مراحل» [Tsygankov, 2022] ، در این مجموعه⁴. مطالعه ما درباره مجموعه‌ای از الگوهای توسعه در کشورهای مختلف و در دوره‌های گوناگون نشان می‌دهد که صرف‌نظر از سطح مصرف و نرخ رشد جمعیت، فرایندهای نوسازی را می‌توان عاملی نیرومند در تشدید تناقض‌های درون جامعه محسوب کرد. از این‌رو، دگرگونی‌های اجتماعی متنوعی که از نوسازی ناشی می‌شوند، به‌طور درونی و نزدیک با خطر بروز بحران‌های اجتماعی و سیاسی ارتباط دارند؛ بحران‌هایی که می‌توانند به‌سادگی به انقلاب‌ها و خیزش‌های قهرآمیز تبدیل شوند (برای نمونه، مراجعه کنید به Korotayev et al., 2011, 2018؛ Korotayev, 2014؛ Korotayev et al., 2014؛ Grinin, 2011, 2012, 2013). به همین دلیل، مواردی که در آن‌ها نوسازی بدون بحران پیش رفته و جوامع توانسته‌اند از «تله مالتوسی» فراتر روند (یعنی وضعیتی که رشد جمعیت سریع‌تر از منابع معیشتی است و به فقر و فشار معیشتی منجر می‌شود)، در مقایسه با مواردی که به انقلاب‌ها و دگرگونی‌های سیاسی گسترده منجر شده‌اند، مواردی استثنای شمار می‌آیند (مراجعه کنید به فصل «انقلاب و بن‌بست‌های نوسازی» Grinin, 2022d، در این مجموعه).

در واقع، به‌ندرت می‌توان در جهان معاصر کشوری را یافت که در گذشته خود نوعی دگرگونی یا خیزش انقلابی را تجربه نکرده باشد. در نتیجه، انقلاب‌ها اغلب در جوامعی رخ می‌دهند که از نظر اقتصادی موفق، حتی بسیار موفق هستند. با این‌حال همین موفقیت بر بستر توسعه ناموزن، به شکل‌گیری انتظارات غیرواقع‌بینانه و نارضایتی‌هایی منجر می‌شود که به پایه نظری و توضیح‌دهنده‌ی خیزش‌های اجتماعی تبدیل می‌شوند.

در سال‌های 2010، چنین وضعیتی در کشورهایی مانند مصر و تونس بر اساس همین الگو شکل گرفت؛ الگویی که در فصل «انقلاب 2011 مصر: یک تحلیل ساختاری-جمعیتی» (Korotayev & Zinkina, 2022)؛ همچنین مراجعه کنید به Lawson, 2015)، فصل «انقلاب یاس در تونس و شکل‌گیری خیزش‌های بهار عربی» (Kuznetsov, 2022)، فصل «بهار عربی: علل، شرایط و نیروهای محرکه» (Grinin & Korotayev, 2022b)، و فصل «انقلاب‌ها، ضدانقلاب‌ها و دموکراسی» (Korotayev, 2022a & Grinin) در این مجموعه به آن پرداخته‌ایم.

این فصل فقط درکی کلی از روند شکل‌گیری ایده‌ها و نظریه‌های مرتبط با پدیده انقلاب ارائه می‌کند. (برای اطلاعات بیشتر درباره نظریه‌ها، مراجعه کنید به Eisenstadt, 1978؛ Giddens, 1980, 2001, 2014b؛ Schultz, 2016؛ Sanderson, 2016؛ Beck, 2018؛ Lawson, 201؛ Stone, 2014؛ 1989). بسیاری از مسائل نظری، از جمله دلایل شکل‌گیری موقعیت انقلابی و خود انقلاب‌ها، مراحل و ویژگی‌های کلی آن‌ها، گونه‌شناسی انقلاب‌ها، تغییر نقش تاریخی انقلاب‌ها در فرایند توسعه، و علل و پیامدهای موج‌های انقلابی در فصل‌های بعدی این اثر پژوهشی، به‌ویژه در بخش‌های اول تا سوم، با جزئیات بیشتری بررسی خواهند شد.

1. تحول نظریه‌های انقلاب

مفهوم انقلاب نسبتاً دیرینه‌گام برای توصیف پدیده‌های اجتماعی به کار گرفته شد. به نظر می‌رسد خود واژه «انقلاب» از علم نجوم وام گرفته شده باشد، جایی که هنوز هم به معنای «گردش» در مسیری تکرار شونده پیرامون یک نقطه ثابت

⁴ مراجعه کنید به فصل «انقلاب‌ها و فرایند تاریخی» (Grinin, 2022c)، فصل «تکامل و گونه‌شناسی انقلاب‌ها» (Grinin, 2022a)، فصل «درباره وضعیت‌های انقلابی، مراحل انقلاب و برخی دیگر از جنبه‌های نظریه انقلاب» (Grinin, 2022b)، و فصل «موج‌های انقلابی دوره آغازین مدرن: انواع و مراحل» (Tsygankov, 2022) در این مجموعه.

به کار می‌رود (مراجعة کنید به Drabkin, 1968: 928). این اصطلاح در اخترشناسی و کیمیاگری نیز به کار گرفته می‌شد، برخی نخستین کاربرد آن در زبان علمی را به عنوان کتاب مشهور نیکلاس کوپرنیک نسبت می‌دهند: «درباره گردش افلاک آسمانی» (De Revolutionibus Orbium Coelestium, 1543). در فلسفه سیاسی، این واژه از سده هفدهم به بعد مورد استفاده قرار گرفت (Sztompka, 1993: 303) از دوره انقلاب انگلستان، پژوهش‌های بسیاری از سوی نویسندگان سده‌های هفدهم و هجدهم به تحلیل تاریخی، اخلاقی و سیاسی مسئله انقلاب اختصاص یافته است (برای نمونه، مراجعه کنید به Clarendon, 1641؛ انتشار 1702-1704؛ Hume, 1773؛ de Mably, 1772؛ Jefferson, 1758/1789؛ همچنین مراجعه کنید به Bernstein, 2004 [1874]: 78).

به نظر ما ضرورتی ندارد که در اینجا دیدگاه‌های این دوره را به تفصیل بررسی کنیم؛ علیرغم این که این دیدگاه‌ها تفاوت چشمگیری با یکدیگر داشتند.⁵ با این حال، فقط در جریان انقلاب‌های آمریکا (1776-1787) و فرانسه (1789-1799) و به ویژه پس از آن‌ها، مفهوم «انقلاب» با محتوایی گسترده‌تر تبیین شد؛ از جمله تبدیل توده‌ها به «شهروندان» دولت، دگرگونی سیاسی دولت از یک نظام سنتی مبتنی بر قدرت و اقتدار به سازوکاری عقلانی و طراحی‌شده برای حکمرانی، و نیز تغییر ایدئولوژیک در مبانی مشروعیت که بر «ملت» به عنوان منشأ حاکمیت استوار بود (درباره حاکمیت دولت در گذشته و امروز، مراجعه کنید به Grinin, 2012a, b).

همچنین مفاهیمی چون «ضدانقلاب»، «انقلابی» و «تکامل» جوامع مطرح شدند و مفهوم انقلاب برای توصیف دگرگونی‌های بزرگ تاریخی و تحولات بنیادین اجتماعی به کار گرفته شد (مراجعة کنید به Drabkin, 1968: 928؛ Sztompka, 1993: 303) ارزیابی‌های متعارض از انقلاب‌ها از سوی دیدگاه‌های مختلف اجتماعی-سیاسی پیرامون ارزش آن‌ها، نقش پیش‌برنده یا منفی آن‌ها، علل و اجتناب‌ناپذیری آن‌ها، از همان دوره انقلاب فرانسه شکل گرفت (برای نمونه، مراجعه کنید به Burke, 1790 [1790]؛ Barnave, 1791 [1792]؛ انتشار 1843؛ de Maistre, 1796 [1796]؛ 1841 [1800]؛ Bonald, 1836 [1800] و در سال‌های بعد نیز ادامه پیدا کردند (برای نمونه، مراجعه کنید به Tocqueville, 1823-1827 [1881]؛ Thiers, 1836؛ Koch, 1903 [1837]؛ Michelet, 1847؛ Dalin, 1981؛ Volgin, 1961؛ Bazard, 1831؛ Grinin, 2010b, 2012d: 7-41). در ادامه، با گسترش گرایش‌های انقلابی، انقلاب‌ها به موضوع اصلی پژوهش در میان نمایندگان جریان‌های چپ و رادیکال، از جمله سوسیالیست‌ها و مارکسیست‌ها تبدیل شد (برای نمونه، مراجعه کنید به Volodin, 1982)، و در عین حال از سوی جریان‌های محافظه‌کار نیز مورد نقد قرار گرفت. انقلاب‌ها، بسته به

⁵ برای نمونه، فیلسوفانی مانند هابز و لاک انقلاب را زیرپا گذاشتن نظم دولت ارزیابی می‌کردند، هرچند ارزیابی آن‌ها از انقلاب انگلستان تفاوت چشمگیری با یکدیگر داش (مراجعة کنید به Grinin, 2012d) برخی از نظریه‌پردازان انگلیسی این دوره، مانند جیمز هرینگتون و جرارد وینستانی، دیدگاه‌هایی مطرح کردند که هنوز نیز دارای اهمیت هستند، از جمله این ایده که فرایند انقلاب مستلزم بازتوزیع زمین و سایر دارایی‌های اقتصادی است (مراجعة کنید به Winstanley, 1950؛ Saprykin, 1975؛ Ado, 1977: 21-23).

موضع ایدئولوژیک نویسندگان، یا آرمان‌گرایانه تصویر می‌شدند یا اهریمنی جلوه داده می‌شدند، و انقلابیون، به تعبیر (Sztompka (1993: 303، گاه با ویژگی‌هایی پرومته‌وار توصیف می‌شدند و گاه به‌صورت چهره‌هایی کاملاً شرور.

کارل مارکس و فریدریش انگلس سهم مهمی در تبیین نظریه‌ی انقلاب داشتند، هرچند که این مفهوم را در جهت سرنگونی سرمایه‌داری به کار گرفتند. مارکس از همان آثار اولیه خود به درک عمیقی از پیوند میان ابعاد سیاسی و اجتماعی انقلاب دست یافت: «هر انقلاب، نظم کهن جامعه را درهم می‌شکند؛ از این جهت، اجتماعی است. هر انقلاب، قدرت حاکم پیشین را سرنگون می‌کند؛ از این جهت سیاسی است» (Marx, 2000 [1844]: 137). مارکس و انگلس سپس به این نتیجه رسیدند که انقلاب نیروی محرک تاریخ است. آن‌ها همچنین ایده‌ای را که پیش‌تر از سوی تاریخ‌نگاران فرانسوی دوره بازگشت سلطنت مطرح شده بود، یعنی این‌که انقلاب‌ها شکلی از مبارزه طبقاتی هستند را به‌طور گسترده بسط دادند (برای نمونه، مراجعه کنید به Marx, 1957 [1848]؛ Engels, 1979 [1851–1852]؛ [1850] 2000 [1852]؛ [1852] 1977 [1878]). مارکس همچنین برداشت خاصی از انقلاب اجتماعی ارائه و آن را گذار از یک شیوه تولید به شیوه‌ای دیگر ارزیابی کرد؛ به‌ویژه به‌عنوان «دگرگونی در ساختار اقتصادی⁶ یک نظام اجتماعی»: «در مرحله‌ای معین از رشد، نیروهای مولد مادی جامعه با روابط تولید موجود، یا در بیان حقوقی، با روابط مالکیتی که تاکنون در چارچوب آن‌ها عمل کرده‌اند، در تعارض قرار می‌گیرند. این روابط که پیش‌تر شکل‌های رشد نیروهای مولد بودند، به محدودکننده آن‌ها تبدیل می‌شوند. در این‌جا دوره‌ای از انقلاب اجتماعی آغاز می‌شود. دگرگونی در زیربنای اقتصادی، دیر یا زود، کل روبنای جامعه را دگرگون می‌کند. در بررسی این تحولات، باید میان دگرگونی مادی شرایط اقتصادی تولید که با دقت علوم طبیعی قابل تشخیص است و اشکال حقوقی، سیاسی، دینی، هنری یا فلسفی، یعنی اشکال ایدئولوژیکی که انسان‌ها در آن‌ها از این تعارض آگاه می‌شوند و برای حل آن اقدام می‌کنند، تمایز قائل شد» (Marx, 1994 [1859]: 211).

این همان برداشتی از انقلاب اجتماعی است که بعدها در «ماتریالیسم تاریخی» شوروی به دیدگاه غالب تبدیل شد (برای نمونه مراجعه کنید به Sukharev & Fedoseyev, 1968؛ Seleznev, 1971, 1982؛ Kovalev, 1969؛ Drabkin, 1968؛ 202–218؛ 1984؛ همچنین برای دیدگاه‌های متأخر مارکسیسم غربی درباره روابط دیالکتیکی میان نیروهای مولد و روابط تولید، مراجعه کنید به Grinin, 2019).

نظریه‌های گوناگون انقلاب در اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم شکل گرفتند⁷، نظریه‌های انقلاب در سده نوزدهم و تا پیش از جنگ جهانی اول را می‌توان با چند استثنا، در چارچوب «نظریه اجتماعی سنتی» یا «کلاسیک» قرار داد (برای نمونه مراجعه کنید به Tocqueville, 1955 [1856]؛ Stein, 1848, 1934)⁸؛ این نظریه‌ها می‌کوشیدند،

⁶ برای نمونه، مراجعه کنید به: «درباره نظام صنعتی» (1821)، «آیین‌نامه صنعت‌گران» (1823–1824)، و «مسیحیت نوین» (1825).

⁷ برای نمونه، مراجعه کنید به Sorokin (1925)، Smelser (1963)، Brinton (1965)، Skocpol (1979)، Goldstone (1980)، Kazakova و Gavlin (2016, 2019: 48–49)، Sanderson (2016)، Sztompka (1993)، Giddens (1989)، 2001، Grinin (1980) و همکاران (2010)، 2016، Grinin (2018a)، 2019، Shultz (2016).

⁸ بر اساس نظر آیزنشتات، دو توکویل، فون اشتاین و مارکس از نخستین نظریه‌پردازانی بودند که در سده نوزدهم تصویری منسجم از انقلاب ارائه کردند (Eisenstadt, 1978 فصل اول) این‌حال برخلاف مارکس، دو توکویل انقلاب را برای پیشرفت تاریخی امری اجتناب‌ناپذیر نمی‌دانست و معتقد بود توسعه تدریجی نیز می‌تواند به نتایج مشابهی منجر شود.

انقلاب‌ها را در چارچوب گسترده‌تر فلسفه اجتماعی، یا فلسفه‌های تاریخ / ایدئولوژی‌های تغییر اجتماعی، یا ماهیت انسان توضیح دهند.

در مقابل نظریه‌های انقلاب از سال‌های 1920 به بعد را می‌توان به‌صورت مجموعه‌ای از نسل‌های نظری دانست که بیشتر بر پویایی‌های درونی انقلاب‌ها و نیز علل و پیامدهای آن‌ها تمرکز دارند (مراجعه کنید به Goldstone, 1980, 2001: 48-49, 2016, 2019). این نظریه‌ها انقلاب را به‌عنوان پدیده‌ای قابل تحلیل علمی در نظر می‌گیرند که می‌توان آن را از نظر الگوها و ویژگی‌های کلی بررسی کرد. نظریه‌پردازان انقلاب در دوره کلاسیک شامل چهره‌هایی چون الکسی دو توکویل، کارل مارکس، توماس بیلی، جورج هلم یونمن، جوزف کلارک، کارل کائوتسکی، بروکس آدامز، گوستاو لوبون، چارلز الود، امیل لدرر و گوستاو لاندائر بودند.⁹ با این حال همان‌گونه که پیتریم سوروکین اشاره کرده است، تعاریف انقلاب در آثار این دوره بر مبنای نادرستی استوار بودند و می‌توان آن‌ها را - به تعبیر او - به دو دسته «شیرین» و «تلخ» تقسیم کرد. همان‌گونه که خود سوروکین نیز تأکید می‌کند، چنین تعاریفی بیش از آن‌که بر ویژگی‌های واقعی انقلاب‌ها مبتنی باشند با تصورات ذهنی نویسندگان آن‌ها همخوانی داشتند (Sorokin, 1925). از سوی دیگر می‌توان ادعاهای فزاینده و تأثیرگذاری را نیز مشاهده کرد مبنی بر این‌که اهدافی که انقلاب‌ها دنبال می‌کنند، می‌توانند بسیار مؤثرتر از طریق رفرم‌های اجتماعی متحقق شوند.¹⁰

با این حال نباید از نظر دور داشت که آثار نمایندگان احزاب انقلابی¹¹ شامل مطالعات قابل‌توجهی بودند که سهم مهمی در درک انقلاب‌ها داشتند. به‌طور مشخص می‌توان به آثار لنین (1969 [1917])،¹² کائوتسکی (1899، 1903)، لوکزامبورگ (1991) و تروتسکی (1931) اشاره کرد. مرحله بعدی پس از جنگ جهانی اول آغاز شد. به پیروی از گلدستون (1980، 2001)، این موج از پژوهش‌ها را می‌توان «نسل نخست» نظریه‌های مدرن انقلاب نامید. این نام‌گذاری تا حدی معنادار است، زیرا در همین دوره بود که می‌توان شکل‌گیری جامعه‌شناسی انقلاب را به‌عنوان حوزه‌ای مستقل مشاهده کرد. در واقع، در سال‌های 1920 و 1930 این نسل از نظریه‌پردازان توانستند به نهادینه‌شدن جامعه‌شناسی انقلاب دست یابند؛ فرایندی که به‌ویژه با نام پیتریم سوروکین و اثر او با عنوان «جامعه‌شناسی انقلاب» (Sorokin, 1925؛ Sorokin, 1992) در ارتباط است. علاوه بر سوروکین، نمایندگان این نسل شامل افرادی چون لیفورد پی. ادواردز، جورج اس. پته، کرین برینتون، تئودور گایگر، اویگن روزن‌اشتوک-هوسی و امیل لدرر بودند (برای نمونه، مراجعه کنید به Geiger, Brinton, 1938؛ Pettee, 1938؛ Lederer, 1936؛ Edwards, 1927؛ Rosenstock-Huessy, 1931؛ 1931). همچنین در کنار سوروکین باید به برخی پژوهشگران روس نیز اشاره کرد؛

⁹ برای نمونه، مراجعه کنید به Tocqueville (1955 [1856])، von Stein (1848, 1934)، Marx (1957 [1848])، 2000 [1852])، Le Bon، Adams (1913)، Ellwood (1905)، Kautsky (1899, 1903)، Clark (1862)، Yeaman (1986 [1861])، Bailey (1830)، Landauer (1912)، Lederer (1918)، (1913).

¹⁰ به گفته آدامز (1913: 30)، ما به نوعی «انقلاب مسالمت‌آمیز» نیاز داریم که هدف آن تقویت دولت باشد؛ دولتی که به‌تدریج می‌تواند نقش داور عالی و اصلاح‌گر را ایفا کند.

¹¹ توجه داشته باشید که حتی پیتریم سوروکین که به‌عنوان یکی از نمایندگان مهم نسل بعدی نظریه‌های انقلاب شناخته می‌شود، بخش عمده‌ای از زندگی‌اش را در روسیه سپری کرد و عضو فعال یکی از احزاب اصلی انقلابی روسیه (حزب سوسیالیست‌های انقلابی) بود.

به‌ویژه نیکلای بردیایف (1928، 1990) که ایده‌هایی درباره آن‌چه خود «قانون انقلاب» می‌نامید، مطرح کرد که می‌توان آن را با مرحله‌ای از انقلاب موسوم به «ترمیدور» مرتبط دانست¹².

این نسل همچنین نخستین آمارهای تاریخی درباره‌ی شمار و تراکم انقلاب‌ها (سوروکین) ارائه کرد و نخستین تلاش‌ها برای ارائه نوعی کالبدشناسی تطبیقی از انقلاب‌ها را توسعه داد؛ یعنی تجزیه انقلاب‌ها به مجموعه‌ای از مراحل و رویدادهای مشخص، مانند کنار زده شدن نخبگان، مراحل میانه‌رو و رادیکال، و بازگشت به نظم باثبات. سال‌های 1950 آغاز نسل جدیدی («نسل دوم») از نظریه‌های معاصر انقلاب را نشان می‌دهد که در پی یافتن علل کلی چنین رویدادهایی بودند. جامعه‌شناسان این نسل شامل افرادی چون چالمرز جانسون، جیمز سی. دیویس، تد رابرت گر، نیل اسملسر، بارینگتون مور، ساموئل پی. هانتینگتون و چارلز تیلی بودند (برای نمونه، مراجعه کنید به Davies, 1962, 1969؛ Smelser, 1963؛ Huntington, 1968؛ Johnson, 1968؛ Tilly, 1970؛ Gurr, 1968). پژوهشگران این بازه‌ی زمانی تلاش کردند از الگوهای کلیشه‌ای جامعه‌شناسی کلاسیک انقلاب و نیز رویکرد توصیفی نسل نخست فراتر روند و با بهره‌گیری از نظریه‌های معاصر در حوزه‌های روان‌شناسی، کارکردگرایی و نظریه سازمان، تحلیل‌های خود را بسط دهند.

در میان مسیرهایی که این نسل در توسعه مفاهیم انقلاب پیمود، برخی پژوهشگران سه رویکرد اصلی را مشخص کرده‌اند:

(1) رویکردی مبتنی بر روان‌شناسی شناختی و نظریه محرومیت (Davies, 1962, 1969؛ Feierabend & Morrison, 1972؛ Feierabend et al., 1969؛ Geschwender, 1968؛ Gurr, 1968, 1970؛ Schwartz, 1972 و دیگران)؛

(2) رویکرد کارکردگرایی ساختاری که بر این اساس استوار است که جوامع به‌مثابه نظام‌ها در نظر گرفته و انقلاب‌ها به‌عنوان عدم تعادل یا اختلال در چنین نظام‌هایی تلقی شوند (Hagopian, 1974؛ Hart, 1971؛ Jessop, 1972؛ Johnson, 1968؛ Smelser, 1963؛ Tiryakian, 1967 و دیگران)؛

و (3) رویکرد سیاسی - حقوقی که بر فرایندهای سیاسی سازماندهی و بسیج علیه دولت تمرکز دارد و نیز بر منازعه سیاسی بین رژیم‌های حاکم و مخالفانی که در پی مشارکت در نظام سیاسی هستند (Amman, 1962؛ Stinchcombe, 1965؛ Huntington, 1968؛ Tilly, 1975, 1978 و دیگران؛ همچنین مراجعه کنید به Gawle & Kazakova, 1980؛ Goldstone, 1980؛ Kramnick, 1972؛ Stone, 1966؛ Zagorin, 1973).

به نظر ما نتایج به‌ویژه ارزشمندی در چارچوب نخستین این رویکردها به‌دست آمده است. در همین چارچوب بود که دستاوردهای مهمی در درک تأثیر بی‌ثباتی انقلابی بر «انتظارات فزاینده» جمعیت حاصل شد (مراجعه کنید به Davies, 1962). این نتایج تا امروز نیز اهمیت خود را حفظ کرده‌اند (برای نمونه، مراجعه کنید به Grinin & Grinin, 2012c؛ Korotayev & Shishkina, 2020؛ Korotayev, 2014؛ همچنین فصل «انقلاب‌ها و بن‌بست‌های نوسازی»

¹² مراجعه کنید به فصل «انقلاب‌ها، ضدانقلاب‌ها و دموکراسی» (Grinin & Korotayev, 2022a) و فصل «تکامل و گونه‌شناسی انقلاب‌ها» (Grinin, 2022a) در این مجموعه.

[Grinin, 2022d], همچنین آثار فایرابندها اهمیت زیادی دارند که نشان دادند تحلیل‌های آماری تطبیقی کمی در سطح میان‌کشوری، انتظارات بالا را اندازه‌گیری می‌کند که به‌طور طبیعی در فرایند نوسازی به‌طور کلی و به‌ویژه در فرایند شهرنشینی شکل می‌گیرند (1972).¹³ (Feierabend & Feierabend)

همچنین نتایج مهمی در آثار تد رابرت گر به‌دست آمده است که نقش مهم «تشدید احساس محرومیت» (یعنی احساس فزاینده نابرابری و محروم‌بودن از حقوق یا فرصت‌های مورد انتظار که می‌تواند به نارضایتی و خیزش منجر شود) را در نتیجه انسداد نظام‌مند ارتقای موقعیت اجتماعی (یعنی محدود شدن امکان پیشرفت و دستیابی به جایگاه‌های بالاتر از نظر اقتصادی، اجتماعی یا سیاسی) برای برخی گروه‌های قومی، قومی-اجتماعی یا اجتماعی نشان می‌دهد (Gurr, 1968, 1970).

نتایج مهم دیگری نیز در چارچوب رویکرد دوم حاصل شده است. این پژوهش‌گران جوامع را به‌عنوان نظام‌هایی تحلیل می‌کنند که کارکرد عادی آن‌ها به حفظ تعادل در مبادله ماده، انرژی و اطلاعات میان نظام و محیط آن، و نیز میان زیرنظام‌های تشکیل‌دهنده آن وابسته است. بر اساس این دیدگاه، هرگونه اختلال بحرانی که این تعادل را برهم بزند، جامعه را به وضعیت عدم تعادل یا کژکارکردی سوق می‌دهد (Hagopian, 1974؛ Johnson, 1968) و این امر خطر بی‌ثباتی انقلابی را به‌طور جدی افزایش می‌دهد. در این چارچوب مجموعه‌ای از عوامل به‌عنوان محرک‌های گذار نظام‌های اجتماعی به وضعیت‌های کژکارکردی/بی‌ثباتی مطرح شده‌اند؛ از جمله تأثیر ناموزون رشد فناوری و فرایندهای نوسازی بر نیازهای زیرنظام‌های مختلف که در نهایت به تغییر در توزیع قدرت میان نخبگان زیرنظام‌های مختلف منجر می‌شود. (Jessop) تغییرات چشمگیر در نظام‌های ارزشی در نتیجه‌ی ظهور ادیان یا ایدئولوژی‌های جدید، یا حتی ناهم‌هنگامی تغییرات در زیرنظام‌های مختلف نیز می‌تواند از عوامل مهم باشد؛ (برای نمونه مراجعه کنید به Johnson 1968 و 1974).

در چارچوب رویکرد سوم، انقلاب به‌عنوان نتیجه گسترش تعارض سیاسی میان گروه‌های ذی‌نفع مختلف در نظر گرفته می‌شود، زمانی که تشدید شدید تعارض میان آن‌ها شکل می‌گیرد؛ هم به‌دلیل شدت گرفتن خود تعارض و هم به‌سبب افزایش چشمگیر منابع درگیر، تا سطحی که سازوکارهای معمول میانجی‌گری و جست‌وجوی راه‌حل مسالمت‌آمیز بی‌نتیجه است و نظام سیاسی دچار فروپاشی قهرآمیز می‌شود.

انقلاب به‌عنوان شکل‌گیری «حاکمیت‌های چندگانه» در نظر گرفته می‌شود که با ویژگی‌های زیر شناخته می‌شود:

1. گروه‌های اجتماعی - سیاسی متعارض چنان در برابر یکدیگر قرار می‌گیرند که تضادهای آن‌ها در چارچوب نظام سیاسی موجود قابل حل نیست.
2. دو یا چند گروه متعارض از منابع سیاسی، مالی، سازمانی و قدرت کافی برخوردار می‌شوند تا بتوانند نوعی «حاکمیت» ایجاد کنند یا پایگاهی سیاسی یا نظامی برای دستیابی به اهداف خود را از طریق زور فراهم کنند.

¹³ در واقع برخی ریشه‌های این ایده‌ها و نیز پیوند میان انقلاب و نوسازی را می‌توان در اثر توکویل با عنوان «نظام کهن و انقلاب فرانسه» (1955 [1856]) مشاهده کرد.

چنین وضعیتی می‌تواند تحت‌تأثیر عوامل متعددی شکل بگیرد، از جمله جنگ‌ها، نوسازی اقتصادی، شهرنشینی یا تغییرات در نظام‌های ارزشی و دگرگونی‌های ایدئولوژیک؛ (برای نمونه مراجعه کنید به Tilly 1975 و 1978). باید تأکید کرد که نتایج بسیار مهمی در چارچوب این رویکرد به‌دست آمده است. برای نمونه، گونه‌شناسی الگوهای بی‌ثباتی انقلابی به صورت «فروپاشی مرکزی» و «پیشروی پیرامونی» که توسط هانتینگتون ارائه شده، همچنان قابل‌توجه هستند؛ (برای نمونه مراجعه کنید به Goldstone 2014b و Korotayev و همکاران 2015)¹⁴. نشان داده شده است که در سال‌های پایانی دهه‌ی 60 می‌توان ظهور نسل جدیدی، یعنی «نسل سوم» نظریه‌های انقلاب را مشخص کرد که با انتشار آثار بنیادین آیزنشتات، پیچ، اسکوپل و تیمبرگر مرتبط است؛ (مراجعه کنید به Eisenstadt 1978 ، Paige 1975 ، Skocpol 1979 و Trimberger 1978)¹⁵.

این نسل از نظریه‌های انقلاب از نسل قبلی متفاوت بود:

1. نقش دولت، نسل دوم نظریه‌های انقلاب، دولت را عرصه‌ای برای تعارض گروه‌های اجتماعی - سیاسی یا ابزاری برای سرکوب یک گروه توسط گروه دیگر ارزیابی می‌کرد. در مقابل، نظریه‌های نسل سوم بر نقش مستقل دولت به‌عنوان کنشگری با اهداف و منابع خاص خود تأکید کردند؛ (برای نمونه مراجعه کنید به Sanderson 2016).

2. بازاندیشی نقش عوامل جهانی، به‌ویژه رقابت‌های نظامی و اقتصادی در حالی که نسل دوم به این عوامل توجه داشت، اما مرکز توجه آن بیشتر بر جنگ‌ها به‌عنوان عامل محرک بی‌ثباتی انقلابی بود. در مقابل، نظریه‌های نسل سوم توجه خود را به تأثیرات بلندمدت عوامل جهانی، پیکربندی نظام‌های سرمایه‌داری جهانی و ژئوپلیتیکی و این‌که چگونه فشارهای رقابتی را بر دولت‌های منفرد تحمیل می‌کنند، و نیز شبکه گسترده‌تر روابط و تأثیرات جهانی. معطوف کردند.

3. نقش ارتش: نسل سوم نظریه‌های انقلاب توجه ویژه‌ای به ساختار نیروهای سرکوب دولت و عواملی داشت که بر وفاداری آن‌ها به دولت یا پیوستنشان به نیروهای شورشی تأثیر می‌گذاشت.¹⁶

4. نقش نخبگان: در چارچوب نظریه‌های نسل اول و دوم نیز به نقش نخبگان توجه شده بود، هرچند تمرکز آن‌ها بیشتر بر انعطاف‌ناپذیری رفتار نخبگان حاکم به‌عنوان عاملی در بی‌ثباتی انقلابی، یا جدایی بخشی از نخبگان بود. اما نظریه‌های نسل سوم نشان دادند که هم فرایند بی‌ثباتی انقلابی و هم پیامدهای آن تا حد زیادی به ساختار دقیق و رفتار نخبگان بستگی دارد. برای نمونه اس. ان. آیزنشتات نشان داد که اگر نخبگان انقلابی با سایر نخبگان پیوندهای نزدیکی داشته باشند، در نتیجه بی‌ثباتی انقلابی احتمال شکل‌گیری نظام‌های سیاسی نسبتاً کثرت‌گرا و باز بیشتر است، در حالی که نخبگان منزوی گرایش به این دارند که رژیم‌های بسته مبتنی بر اجبار

¹⁴ الگوی «پیشروی پیرامونی» دارای زیرالگوی نیز هست که به پیشروی از بیرون، از پایگاه‌های خارجی اشاره دارد؛ نمونه آن در رودزیای جنوبی و آفریقای جنوبی مشاهده شده است.

¹⁵ برای تحلیل بیشتر، مراجعه کنید به فصل «مسئله ساختار و عاملیت در جامعه‌شناسی معاصر انقلاب و جنبش‌های اجتماعی»، کاراسف 2022 در این مجموعه.

¹⁶ درباره نقش ارتش در انقلاب‌ها، مراجعه کنید به فصل «درباره موقعیت‌های انقلابی، مراحل انقلاب و برخی دیگر از جنبه‌های نظریه انقلاب»، گرینین 2022b در این مجموعه.

را برقرار کنند. اسکوچپل با تکیه بر آثار بارینگتون مور استدلال کرد که روابط نخبگان هم با دولت و هم با جمعیت روستایی، میزان آسیب‌پذیری یک جامعه در برابر انقلاب اجتماعی را تعیین می‌کند و این‌که طبقات انقلابی که توسط نخبگان برای تصاحب قدرت دولتی بسیج می‌شوند، در انتخاب‌هایی که در روند دولت‌سازی پس از انقلاب انجام می‌دهند، نقش تعیین‌کننده دارند.

5. زمینه تاریخی: در حالی که نسل‌های پیشین تلاش کردند، نظریه‌هایی ارائه دهند که تا حد زیادی مستقل از زمینه‌ی شکل‌گیری انقلاب‌ها باشند و برای همه آن‌ها کاربرد داشته باشند، نسل سوم توجه بیشتری به شرایط تاریخی مشخصی معطوف کرد که در آن انقلاب‌ها و دگرگونی‌های انقلابی رخ می‌دهند.

از این رو مقاطع خاصی در شکل‌گیری امپراتوری‌ها یا در توسعه رقابت میان دولت‌های سرمایه‌داری به‌عنوان عوامل مهمی در درک این‌که چرا و چه زمانی انقلاب‌های خاص رخ داده‌اند، مورد توجه قرار گرفتند. مطالعات تاریخی عمیق و نظریه‌های به‌شدت زمینه‌مند نسل سوم به‌طور گسترده مورد تحسین قرار گرفتند و به‌عنوان اصلاحی ضروری برای رویکردهای پیش‌ازحد کلی و تک‌علتی نسل دوم تلقی شدند. بسیاری از پژوهشگران برجسته به توسعه این رویکردها ادامه دادند (مراجعه کنید به Goodwin 2001 و Wickham-Crowley 1992)، با این‌حال نسل سوم در سال‌های 1990 نیز با انتقادهای قابل‌توجهی روبه‌رو شد (مراجعه کنید به Goldstone 2001). آثار این نسل به‌دلیل جبرگرایی بیش‌ازحد، کم‌توجهی به نقش ایدئولوژی و تمرکز عمده بر انقلاب‌های روستایی و اجتماعی در جوامع سنتی مورد انتقاد قرار گرفتند.

رویدادهای جهانی نیز چالش‌هایی را به‌وجود آوردند، زیرا اندکی پس از شکل‌گیری آثار اصلی نسل سوم، یک انقلاب عمدتاً شهری و مذهبی در ایران در سال 1979 رخ داد، سپس یک انقلاب بدون خشونت علیه یک دیکتاتور توسعه‌گرا در فیلیپین در سال 1986، و پس از آن نیز سرنگونی عمدتاً غیرقهرآمیز رژیم‌های کمونیستی اروپای شرقی و اتحاد جماهیر شوروی. این‌ها همگی رویدادهایی بودند که نظریه‌های نسل سوم در تبیین آن‌ها با دشواری مواجه شدند.

از این‌رو از سال‌های 1990 می‌توان از شکل‌گیری چشم‌اندازی جدید در پژوهش انقلاب‌ها سخن گفت که گلدستون آن را «نسل چهارم» نامیده است؛ (مراجعه کنید به Foran 1993 و Lawson 2016 و 2019). از اوایل سال‌های 2000 و به‌ویژه از سال‌های پس از 2010، این نسل جدید شکل منسجم‌تری به خود گرفته است.

مهم‌ترین دستاوردهای پژوهش انقلاب‌ها در این دوره را می‌توان چنین برشمرد:

1. در حالی که نظریه‌های نسل اول و سوم بر جدایی نخبگان در آستانه انقلاب‌ها یا شکل‌گیری تعارض بین نخبگان و دولت تأکید داشتند، پژوهشگران نسل چهارم اهمیت تعارضات بین خود نخبگان را که در طول چندین سال شکل می‌گیرند و به مانعی ساختاری برای کارکرد دولت تبدیل می‌شوند، برجسته کردند.

2. این پژوهشگران با بررسی هم‌زمان رژیم‌های کنونی و سنتی نشان دادند که بی‌ثباتی ویژه‌ای در رژیم‌های شخصی‌گرا و همچنین در رژیم‌های بینابینی وجود دارد؛ یعنی رژیم‌هایی که بین دموکراسی تثبیت‌شده و اقتدارگرایی پایدار قرار دارند.

3. با بررسی تطبیقی پیامدهای انقلاب‌ها و استفاده از داده‌های کمی درباره عملکرد اقتصادی و توسعه سیاسی پس از انقلاب، این پژوهشگران نشان دادند که انقلاب‌ها بیشتر تمایل دارند مانع دموکراسی و رشد اقتصادی شوند.

4. این نسل عوامل فرهنگی و ایدئولوژیک را به‌عنوان محرک‌های انقلاب و تعیین‌کننده نتایج آن در کنار عوامل ساختاری مانند نحوه آرایش منابع دولت‌ها و نخبگان در نظر گرفت.

5. همچنین بر این نکته تأکید شد که انقلاب‌ها به‌صورت منفرد شکل نمی‌گیرند، بلکه در قالب موج‌های منطقه‌ای یا جهانی خیزش‌ها و انقلاب‌ها شکل می‌گیرند که در زمان و در گستره‌های جغرافیایی مختلف به‌صورت هم‌هنگام رخ می‌دهند.¹⁷

6. در این رویکرد، انقلاب‌ها به‌عنوان پدیده‌هایی با مسیرهای متنوع در نظر گرفته می‌شوند که بسته به تفاوت‌های جزئی در شرایط اولیه یا توالی رویدادها می‌توانند به پیامدهای متفاوتی منجر شوند؛ (مراجعه کنید به Goldstone 2009، Goodwin 2001، Kurzman 2008 و Lawson 2005 و 2019).

نظریه‌های نسل چهارم بیشتر بر این تمرکز دارند که چرا برخی رژیم‌ها از دیگران باثبات‌ترند، یعنی به‌جای تمرکز صرف بر بی‌ثباتی، به بررسی عوامل ثبات می‌پردازند. آن‌ها بر این نکته تأکید می‌کنند که فرایندها و پیامدهای انقلاب‌ها از طریق هویت‌یابی گروهی، شبکه‌ها و ائتلاف‌ها، رهبری و ایدئولوژی‌های رقیب، و همچنین تعامل میان حاکمان، نخبگان، گروه‌های مردمی و قدرت‌های خارجی در بستر تعارضات جاری شکل می‌گیرند و هدایت می‌شوند.¹⁸

از سال‌های 1990 تا اوایل سال‌های 2000، پژوهشگران انقلاب این دیدگاه‌ها و نقدهای آثار قبلی را بسط دادند، اما نتوانستند رویکردی کاملاً جدید را تثبیت کنند. در واقع پژوهش درباره انقلاب‌ها همچنان بر تعداد محدودی از موارد متمرکز بود و پیشرفت نظری جدید تا حدی کند شده بود. با این حال اکنون می‌توان از شکل‌گیری نسلی تازه از نظریه‌های انقلاب سخن گفت. این نسل نه‌فقط با دستاوردهای نسل سوم که پیش‌تر ذکر شد مرتبط است، بلکه با گسترش چشمگیر موارد تاریخی مورد بررسی نیز همراه بوده است. این موارد شامل تجربه انقلاب‌های رنگی غیرقهرآمیز، سرنگونی رژیم‌های کمونیستی، انقلاب‌های اسلامی در ایران و افغانستان، و خیزش‌های بهار عربی است؛ (مراجعه کنید به Aslund و McFaul 2006، Nepstad 2011، Bunce و Wolchik 2011، Goldstone 2011a و b2011 و a2014 و b2014، Mitchell 2012، Filali-Ansary 2012، Lynch 2015، Ritter 2016، Della Porta 2016، Bayat و Grinin 2017 و همکاران 2019 و Lawson 2019).

پژوهشگران اکنون ادبیات گسترده‌ای را درباره نقش اعتراضات غیرقهرآمیز در سرنگونی رژیم‌های اقتدارگرا بسط داده‌اند. آن‌ها نشان داده‌اند که در مجموع اعتراضات غیرقهرآمیز قابل‌اعتمادترین مسیر برای جایگزینی رژیم‌های

¹⁷ همچنین مراجعه کنید به فصل «گونه‌شناسی و اصول پویایی موج‌های انقلابی در تاریخ جهان»، روزوف 2022؛ فصل «موج‌های انقلابی دوره آغازین عصر جدید»، تسیگانتکوف 2021؛ فصل «انقلاب‌های اروپایی و موج‌های انقلابی سده نوزدهم: علل و پیامدها»، گرینین 2022e؛ فصل «موج‌ها و خطوط انقلابی سده بیستم»، گرینین و گرینین 2022؛ و فصل «موج‌های انقلابی از سده شانزدهم به بعد»، گرینین 2022b در این مجموعه.

¹⁸ برای بررسی بیشتر درباره نقش نخبگان، شکاف در میان آن‌ها و تعارضات نخبگان در بحران‌های پیش‌انقلابی و موقعیت انقلابی، مراجعه کنید به فصل «درباره موقعیت‌های انقلابی، مراحل انقلاب و برخی دیگر از جنبه‌های نظریه انقلاب»، گرینین 2022b در این مجموعه؛ همچنین مراجعه کنید به Grinin 2012a.

اقتدارگرا با دموکراسی‌های باثبات هستند، هرچند نه تنها مسیر ممکن‌اند و نه همیشه مؤثرترین؛ (مراجعه کنید به Bayer و همکاران 2016، Celestino و Gleditsch 2013، Chenoweth و Stepan 2011، Kadivar و Caren 2016، Kadivar و Ketchley 2018، Karatnycky و Ackerman 2005، Kim 2017، Kroeger 2019، Nepstad و Schock 2005 و Stradiotto و Guo 2010).

با این حال تأکید شده است که اعتراضات غیرقهرآمیز به‌تنهایی پیروز نمی‌شوند. نقش ارتش در این میان تعیین‌کننده است، این‌که آیا به رژیم وفادار می‌ماند یا نه، و اگر نه، چه نقشی در تعارض و بازسازی پس از انقلاب ایفا می‌کند؛ (مراجعه کنید به Rasler و همکاران 2022، Nepstad 2011، Shama 2019، Koehler و Barany 2021). 2016 هم‌چنین اعتراضات غیرقهرآمیز زمانی در گذار به دموکراسی مؤثرترند که فشارهای جهانی پاسخ سرکوبگرانه رژیم را محدود کنند و زمانی که دولت‌های دموکراتیک دیگری در کشور همسایه قدرت را در دست داشته باشند (مراجعه کنید به Lawson 2015، Ritter 2015، Albrecht و Koehler 2020، Celestino و Gleditsch 2013، Keller 2012 و Kim).

در بررسی این رویدادها، این نظریه‌ها همچنین توجه بیشتری به عامل نظام جهانی دارند و به فرایند دگرگونی ویژگی‌ها، خصوصیات و نقش تاریخی انقلاب‌ها و نیز پیوند آن‌ها با فرایندهای تاریخی جهانی می‌پردازند. به‌طور خاص، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که عواملی که موجب خیزش‌های توده‌ای و موفقیت انقلاب‌ها می‌شوند، در گذر زمان تغییر پیدا کرده‌اند. این امر هم در قالب الگوهای چرخه‌ای که موج‌ها و دوره‌های انقلابی ایجاد می‌کنند، دیده می‌شود و هم در قالب روندهای خطی که در آن برخی گونه‌های انقلاب افول کرده و گونه‌های جدیدی شکل می‌گیرند؛ (مراجعه کنید به Bowsby و همکاران 2020، Djuve و همکاران 2020، Keller 2012 و Beissinger که در دست انتشار است).

الینسون 2019 پیشنهاد کرده است که برخی از این پژوهش‌ها، از جمله آثار Bayat 2017، Della Porta 2016 و Ritter 2015 را می‌توان در قالب «نسل پنجم» نظریه‌های انقلاب قرار داد. او «نسل چهارم» را به آثار سال‌های 1990 و 2000 نسبت می‌دهد که به دستاوردهای قبلی منجر شده‌اند؛ (برای نقد این دیدگاه مراجعه کنید به Abrams 2019) به‌گفته‌ی او این «نسل پنجم» با تغییر در موضوع پژوهش، توجه به رابطه‌ی بین انگیزه‌ها، رفتار و ساختار در انقلاب‌ها، و نیز با تأکید بر جایگاه سیاست بین دولت‌ها، در سطوح فراملی و نیز در ساختار درونی دولت‌ها مطرح می‌شود.

با این حال می‌توان گفت نسل جدید نظریه‌های انقلاب بیش از آن‌که گسستی کامل ایجاد کند، نشان‌دهنده‌ی تغییر در موضوع پژوهش و در نوع روابطی است که مهم تلقی می‌شوند. از این‌رو میان دستاوردهای پژوهشگران سال‌های 1990 و 2000 و پژوهش‌های پس از 2010 شکاف روشنی دیده نمی‌شود و می‌توان این مجموعه آثار را در چارچوب نسل چهارم در نظر گرفت.

پیرامون مؤلفه‌های اصلی رویکرد «نسل چهارم» می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

1. بررسی دامنه گسترده‌تری از نمونه‌ها، از جمله انقلاب‌های غیرقهرآمیز، مذهبی و ضدکمونستی،
2. تمرکز بر عواملی که هم به ثبات و هم به بی‌ثباتی منجر می‌شوند،

3. ادغام کنشگری، رهبری و ایدئولوژی به عنوان عناصر اساسی در تبیین سبب‌شناختی انقلاب‌ها و پیامدهای آن‌ها¹⁹،

4. توجه به طیف گسترده‌ای از مسیرهای انقلابی، از جمله انقلاب‌های اجتماعی قهرآمیز، انقلاب‌های توافقی (تغییر قدرت از طریق گفت‌وگو و مصالحه میان نیروهای حاکم و مخالف) و انقلاب‌های غیرقهرآمیز،

5. در نظر گرفتن تأثیرات و مداخلات جهانی به عنوان عوامل بنیادین و گاه تعیین‌کننده در انقلاب‌ها.

با وجود این پیشرفت‌ها روشن است که نظریه‌های نسل چهارم سخن نهایی در این حوزه نیستند. این آثار با وجود نقاط قوت خود، به نقش زنان و مسائل جنسیتی و همچنین به‌طور کامل به خیزش‌های قومی و نژادی و تفاوت‌ها و شباهت‌های آن‌ها با دیگر انقلاب‌ها نپرداخته‌اند. علاوه بر این توجه محدودی به پدیده‌هایی مانند انقلاب‌های راست‌گرا و ظهور جریان‌های رادیکال داشته‌اند، از جمله می‌توان به اسلام به عنوان یک جنبش جهانی اشاره کرد؛ (برای نمونه مراجعه کنید به Grinin 2019c). بنابراین هنوز کارهای بسیاری باقی مانده است که فقط بخشی از آن‌ها در این مجموعه مورد توجه قرار گرفته‌اند.

با این حال امید است که نویسندگان این مجموعه توانسته باشند بر بسیاری از نقاط قوت و دستاوردهای یادشده نظریه‌پردازان نسل چهارم تکیه کنند، به‌ویژه در زمینه به‌کارگیری رویکرد نظام جهانی در تحلیل انقلاب‌ها، ارائه طبقه‌بندی گسترده‌تر از انقلاب‌ها و دیگر رویدادهای انقلابی، و نیز بسط نظریه‌ای عمیق‌تر درباره موج‌های انقلابی و سایر ابعاد و جهت‌گیری‌ها. نویسندگان این مجموعه همچنین تلاش کرده‌اند، انقلاب‌ها را در بستر تاریخی بلندمدت آن‌ها بررسی کنند، به عنوان پدیده‌هایی که نقش آن‌ها به عنوان ابزاری برای توسعه در طول تاریخ به‌طور قابل‌توجهی تغییر پیدا کرده است، به‌گونه‌ای که هم ماهیت انقلاب‌ها و هم پیامدهای آن‌ها در گذر زمان تغییر می‌کند.

2. پدیده انقلاب

با وجود شمار بسیار زیاد آثار اختصاص‌یافته به مسئله‌ی انقلاب، هنوز تعریفی که به‌طور عام پذیرفته شده باشد، وجود ندارد. به‌نظر می‌رسد به تعداد نویسندگان این حوزه، تعریف‌های گوناگونی نیز وجود دارد و بنابراین با ده‌ها، اگر نگوییم صدها، تعریف متفاوت از اصطلاح «انقلاب» روبه‌رو هستیم.

برای ارائه تصویری روشن‌تر از طیف دیدگاه‌های مختلف، نقل‌قولی نسبتاً مفصل از اثر اشتومپکا 1993 ارائه می‌شود که به‌نظر می‌رسد طبقه‌بندی مناسبی از این تعاریف به دست می‌دهد. مفهوم امروزی انقلاب از دو سنت فکری سرچشمه می‌گیرد: سنت تاریخ‌نگارانه و سنت جامعه‌شناختی. در سنت تاریخ‌نگارانه، انقلاب به معنای گسست شدید در پیوستگی تاریخی است، یعنی شکستن روندی که به‌صورت دائمی و بدون وقفه ادامه داشته است و به عنوان اختلالی بنیادی یا گسستی عمیق در مسیر تاریخ در نظر گرفته می‌شود. تمرکز این رویکرد بر الگوی کلی فرایندهای تاریخی است و انقلاب‌ها به عنوان نقاط عطف کیفی در این الگو دیده می‌شوند. در مقابل مفهوم جامعه‌شناختی انقلاب به جنبش‌های توده‌ای اشاره می‌کند که با استفاده از اجبار یا قهر، علیه حاکمیت‌ها عمل می‌کنند تا تغییرات اساسی و پایدار در جامعه به‌وجود

¹⁹ برای بررسی بیشتر نقش ایدئولوژی در انقلاب‌ها، مراجعه کنید به فصل «درباره موقعیت‌های انقلابی، مراحل انقلاب و برخی دیگر از جنبه‌های نظریه انقلاب»، گرینین 2022b و نیز فصل «تکامل و گونه‌شناسی انقلاب‌ها»، گرینین 2022a در این مجموعه.

بیابورند. در این جا تمرکز از الگوی کلی و جهت گیری نهایی به سوی سازوکارهای سبب شناختی، سناریوهای بدیل فرایندهای اجتماعی و شیوه هایی که مردم از طریق آن ها تاریخ را شکل می دهند و باز می سازند، منتقل می شود. بازتاب هر دو سنت را می توان در تعاریف معاصر انقلاب مشاهده کرد.

اشتومپکا پیشنهاد می کند که این تعاریف را می توان به سه گروه تقسیم کرد. گروه نخست شامل تعاریفی است که بر دگرگونی های گسترده و بنیادین اجتماعی تأکید دارند. در این تعاریف، تمرکز بر دامنه و عمق تغییر است. در این معنا، «انقلاب» در برابر «رفرم» قرار می گیرد. بنابراین انقلاب به صورت «تغییرات ناگهانی و ریشه ای در ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه» تعریف می شود یا به عنوان «دگرگونی سریع و فراگیر در ساختار اجتماعی یا در برخی ویژگی های اساسی آن». تعاریفی که بر شدت و سرعت تغییر، تعارض و قهر تأکید دارند، در گروه دوم قرار می گیرند. در این تعاریف تمرکز بر شیوه های تغییر است. در این معنا، «انقلاب» در برابر «تحول تدریجی» قرار می گیرد. بنابراین بسیاری از نویسندگان انقلاب را چنین تعریف می کنند: تلاش هایی برای ایجاد تغییر در قانون اساسی از طریق قهر؛ (مراجعة کنید به Johnson 1968)؛ تغییرات بنیادین اجتماعی-سیاسی که از طریق قهر محقق می شوند؛ (مراجعة کنید به Gurr 1970)؛ جایگزینی ناگهانی یک حکومت سیاسی با یک گروه سیاسی دیگر که پیش تر در حکومت نقشی نداشته است؛ (مراجعة کنید به Brinton 1965) و نیز تصرف یا تلاش برای تصرف کنترل بر دستگاه های حکومتی که به عنوان ابزارهای اصلی متمرکز اجبار، مالیات ستانی و اداره جامعه در نظر گرفته می شوند، توسط یک طبقه یا گروه یا ائتلافی از آن ه (مراجعة کنید به Aya 1979). با این حال، اشتومپکا گروه سوم از تعاریف را سودمندترین می داند.

تعاریف این گروه هر دو جنبه انقلاب ها را در قالبی نظام مند ترکیب می کنند. بر این اساس انقلاب ها به عنوان تغییراتی سریع، بنیادین و قهر آمیز در ارزش ها و اسطوره های غالب یک جامعه، در نهادهای سیاسی، ساختار اجتماعی، رهبری و سیاست های حکومتی درک می شوند؛ (مراجعة کنید به Huntington 1968) همچنین این تغییرات با دگرگونی های سریع و اساسی در ساختار دولت و ساختارهای طبقاتی جامعه همراه هستند و از طریق خیزش های طبقاتی از پایین به اجرا در می آیند (مراجعة کنید به Skocpol 1979)؛ در این فرایند قدرت دولتی به وسیله رهبران یک جنبش توده ای و از طریق ابزارهای قهر آمیز تصرف می شود و سپس برای آغاز فرایندهای اساسی دست به رفرم های اجتماعی می زنند (مراجعة کنید به Giddens 1989).

در نهایت، اشتومپکا جمع بندی ای از نوعی اجماع درباره ی مؤلفه های اساسی پدیده انقلاب ارائه می کند:

1. انقلاب ها به تغییراتی بنیادین، فراگیر و چندبُعدی در هسته اصلی نظم اجتماعی منجر می شوند.
2. انقلاب ها شامل بسیج توده های گسترده مردم هستند و در چارچوب یک جنبش انقلابی عمل می کنند. نمونه های شاخص شامل خیزش های دهقانی و خیزش های شهری هستند؛ (مراجعة کنید به Jenkins 1982) در این معنا، حتی عمیق ترین تغییرات اگر از بالا و توسط حاکمان تحمیل شوند، انقلاب محسوب نمی شوند.
3. بیشتر نویسندگان بر این باورند که انقلاب ها به طور ضروری قهرآمیز هستند.

علاوه بر این، می توان تعاریف دیگری نیز ارائه کرد. برای نمونه انقلاب به عنوان «دگرگونی بنیادین و فراگیر در سازمان سیاسی، ساختار اجتماعی، کنترل مالکیت اقتصادی و اسطوره های غالب یک نظم اجتماعی که نشان دهنده گسستی

بزرگ در پیوستگی توسعه است» تعریف شده است؛ (مراجعة کنید به Neumann 1949) همچنین می‌توان آن را «بسیج جمعی‌ای دانست که هدف آن سرنگونی سریع و قهرآمیز یک رژیم حاکم برای دگرگون کردن روابط سیاسی، اقتصادی و نمادین است»؛ =مراجعة کنید به Lawson (2019).

ویراستاران این مجموعه نیز تعریف زیر را پیشنهاد کرده‌اند: انقلاب تلاشی است برای دگرگون کردن نهادهای سیاسی و مبانی مشروعیت قدرت سیاسی در یک جامعه که با بسیج توده‌ای رسمی یا غیررسمی و کنش‌هایی خارج از چارچوب‌های نهادی [قداماتی که خارج از مسیرهای رسمی، قانونی و تثبیت‌شده انجام می‌شوند] همراه است و اقتدارهای موجود را تضعیف می‌کند؛ (مراجعة کنید به Goldstone 2001). همچنین، انقلاب به‌عنوان «سرنگونی قهرآمیز یک حکومت از طریق بسیج توده‌ای، خواه نظامی یا غیرنظامی، به نام عدالت اجتماعی و برای ایجاد نهادهای سیاسی جدید» تعریف شده است؛ (مراجعة کنید به Goldstone 2014b) علاوه بر این انقلاب به‌عنوان «کنش توده‌ای ضدحکومتی غالباً غیرقانونی است، با هدف‌هایی مانند سرنگونی یا جایگزینی حکومت موجود در یک بازه زمانی مشخص، تصرف قدرت یا فراهم کردن شرایط دستیابی به آن و ایجاد تغییرات اساسی در نظام و نهادهای اجتماعی یا سیاسی» نیز تعریف می‌شود (مراجعة کنید به Grinin و Korotayev 2020: 856).²⁰

شمار زیاد انقلاب‌های غیرقهرآمیز یا «رنگی» در سال‌های اخیر ما را وادار می‌کند با این واقعیت روبه‌رو شویم که قهر گسترده ممکن است ویژگی ضروری انقلاب‌ها نباشد (مراجعة کنید به Nepstad 2011 و 2015). با این حال کاربست مجدد قهر در مقیاس وسیع در انقلاب‌های لیبی، یمن و سوریه نشان می‌دهد که چنین قهری همچنان بخشی جدایی‌ناپذیر از انقلاب‌ها است. به‌طور کلی در سطح بالایی از تجرید این تعاریف نشان می‌دهند که از یک سو انقلاب‌ها بر شکاف فزاینده میان نظام‌های اجتماعی و سیاسی موجود و ایدئولوژی مسلط آن‌ها، و از سوی دیگر تحولاتی که موجب دگرگونی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در جامعه می‌شوند، استوار هستند. فروپاشی نظام سیاسی و دگرگونی‌های پس از آن در نظم اجتماعی و ایدئولوژی مسلط فرایندی است که بر اثر رویارویی میان مردم و حکومت پیش می‌رود و همان چیزی است که از آن به‌عنوان «انقلاب» یاد می‌کنیم.

دلایل مهم انقلاب‌ها تا حدی با تغییر ایدئولوژی، افزایش نارضایتی از حکومت و ناتوانی نهادهای حاکم در کنترل نظم اجتماعی ارتباط دارند. هرچه نارضایتی عمومی شدیدتر باشد و ضعف حاکم یا گروه حاکم در قدرت بیشتر شود، احتمال وقوع انقلاب واقع‌بینانه‌تر خواهد بود. همان‌گونه که سوروکین می‌گوید، زمانی که هاله اقتدار از میان می‌رود، تردیدهایی درباره بقای آن شکل می‌گیرد. از دست رفتن اعتماد به نهادهای حاکم اغلب با احساس وقوع یک فاجعه قریب‌الوقوع همراه است، زمانی که جامعه به نزدیکی یک خیزش اجتماعی پیش‌بینی‌نشده پی می‌برد و در این شرایط، انقلاب بیش‌ازپیش به‌عنوان راهی برای حل تنش و باتکلیفی مطرح می‌شود (مراجعة کنید به Johnson 1968).

²⁰ برای بررسی تعاریف دیگر از انواع رویدادهای انقلابی و نیز دیدگاه‌های مرتبط، مراجعه کنید به فصل «پیش‌درآمد: انقلاب‌ها و رویدادهای انقلابی، در حال تغییر اما پایدار»، Goldstone و همکاران 2022؛ همچنین فصل «موج‌ها و خطوط انقلابی سده بیستم»، گرینین و گرینین 2022؛ و نیز فصل «در سراسر جهان: ظرفیت انقلابی در عصر بازگشت اقتدارگرایی»، Selbin 2022 در این مجموعه.

در عین حال به این موضوع اشاره شده است که نخبگان حاکم اعتماد خود را به رژیم از دست می‌دهند و درباره‌ی بهترین شیوه‌ی حفظ آن دچار تردید می‌شوند. در نتیجه برخی از نخبگان از جنبش انقلابی حمایت می‌کنند، در حالی که برخی دیگر تلاش می‌کنند رژیم را حفظ کنند یا دست کم عناصر اصلی نظم پیشین را نگه دارند.

با گسترش جهانی شدن و توسعه اقتصادی که با افزایش درآمدها، سواد، شهرنشینی و رسانه‌های الکترونیکی همراه است، و نیز با انتشار الگوهای سیاسی و ایدئولوژی‌های رادیکال، تعداد انقلاب‌ها نیز افزایش یافته است. سده‌ی بیستم به‌ویژه از این نظر غنی بوده است؛ (مراجعه کنید به فصل «موج‌ها و خطوط انقلابی سده بیستم»، گرینین و گرینین 2022 و پیوست آن در این مجموعه). حتی سی یا چهل سال پیش، بسیاری از تاریخ‌نگاران و دانشمندان علوم اجتماعی بر این باور بودند که سده بیستم به‌عنوان «سده مبارزه و انقلاب‌ها» شناخته خواهد شد (مراجعه کنید به Woodis 1972) اما شمار انقلاب‌ها در سده‌ی بیست و یکم در هر سال بیشتر از سده‌ی بیستم است (مراجعه کنید به فصل «پیش‌درآمد: انقلاب‌ها و رویدادهای انقلابی، در حال تغییر اما پایدار»، Goldstone و همکاران 20).

انقلاب شکل خاصی از تغییر حکومت یا رژیم سیاسی است؛ یا به‌طور کلی‌تر رژیم سیاسی و اجتماعی. لنین که به‌خوبی با نظریه و عمل انقلاب‌ها آشنا بود، به‌درستی اشاره کرده است که مسئله‌ی اساسی در هر انقلاب، مسئله قدرت است؛ (مراجعه کنید به Lenin (1969 [1917]: 145). باید توجه داشت که هر تغییر واقعاً اساسی حتی مشروع‌ترین دگرگونی در رژیم سیاسی، خواه در نظام سلطنتی و خواه در نظام دموکراتیک، ناگزیر به اختلال‌هایی کم‌وبیش چشمگیر در کارکرد سازوکارهای اداری و سیاسی منجر می‌شود.

این امر از یک سو به این دلیل است که قدرت سیاسی تا حدی به ترکیب شخصی نخبگان قدرت وابسته است، به‌ویژه به ویژگی‌های رهبر و از سوی دیگر به این دلیل که هر تغییر ریشه‌ای در قدرت تا اندازه‌ای به تغییر در تفسیر ایدئولوژیک اهداف اجتماعی منجر می‌شود. حتی افلاطون و ارسطو نیز دریافته بودند که با تغییر نظم سیاسی مثلاً از الیگارش به دموکراسی یا برعکس، جامعه شاهد دگرگونی در روابط بنیادین اجتماعی و اهداف حکومت خواهد بود. علاوه بر این در انتظار تغییرات اجتناب‌ناپذیر، بدنه اداری حکومت به‌طور طبیعی دچار آشفتگی می‌شود؛ برای نمونه در جریان کارزارهای انتخاباتی یا در انتظار برکناری‌ها و انتصاب‌های جدید. با تغییر سلطنت یا حزب حاکم، تقریباً همه مدیران ارشد سیاسی عوض می‌شوند و معمولاً زمان زیادی لازم است تا مدیران جدید وضعیت موجود را درک کرده و کارکرد مؤثر دستگاه اداری را دوباره برقرار کنند. در نتیجه حتی در تغییر نسبتاً مسالمت‌آمیز رژیم نیز، دستگاه دولتی ممکن است برای مدتی طولانی کارایی کمتری داشته باشد.

با این حال سرنوشتی انقلابی رژیم‌های سیاسی معمولاً اختلالی به‌مراتب شدیدتر در کارکرد نظام ایجاد می‌کند و اغلب پیامدهایی پیش‌بینی‌ناپذیر به همراه دارد. به همین دلیل انقلاب‌ها در مجموع همواره روشی بسیار اخلال‌گر و ویرانگر برای پیشرفت اجتماعی به‌شمار آمده‌اند؛ روشی که اغلب به ضدپیشرفت منجر می‌شود²¹.

با وجود چندین نسل از پژوهش‌های علمی درباره انقلاب‌ها و تلاش برای دستیابی به پیشرفت علمی، نگرش‌های هنجاری نسبت به انقلاب‌ها همچنان بسته به جایگاه کنشگران سیاسی و پژوهشگران اجتماعی و موقعیت آن‌ها در جامعه متفاوت

²¹ درباره مفهوم «ضدپیشرفت»، مراجعه کنید به Korotayev 2004: 7-8.

است. در سراسر سده‌های نوزدهم و بیستم، کنشگران حاشیه‌ای یا رادیکال، چشم‌انداز انقلاب‌ها را با آزادی و پیشرفت پیوند می‌دادند. در مقابل محافظه‌کاران و بیشتر دولت‌های غربی در دوران جنگ سرد انقلاب‌ها را اغلب با تهدید استقرار رژیم‌های ستیزه‌جو (ضد غربی) یا کمونیستی مرتبط می‌دانستند؛ از این رو بسیاری از تحلیل‌گران سیاسی غربی نزدیک به دولت، به‌ویژه در ایالات متحده ارزیابی منفی‌ای از انقلاب‌ها ارائه می‌کردند (مراجعة کنید به Lawson 2019: 28).

29

به‌ویژه از سال‌های 1950 تا 1980، گرایش رایج میان پژوهشگران غربی نزدیک به دولت این بود که انقلاب‌ها را عامل برهم‌خوردن نظم بدانند و به‌دنبال راهکارهایی برای جلوگیری از آن‌ها بودند. در واقع برای مقابله با کمونیسم در دوران جنگ سرد، بسیاری از دولت‌های غربی احساس می‌کردند باید آن‌چه لیفورد پی. ادواردز «سازوکار پیشگیری از انقلاب‌ها» نامیده بود را گسترش دهند (مراجعة کنید به Edwards 1927 و 1965: 213).²² دولت‌های غربی همچنین تلاش کردند، راهبردهای مؤثری برای «ضدشورش» گسترش دهند (مراجعة کنید به Rabasa و همکاران 2011 و Lawson 2019: 28–29).

فروپاشی کمونیسم در اتحاد جماهیر شوروی و اروپای شرقی ظاهراً به‌طور نهایی ثابت کرده بود که انقلاب‌های بزرگ اجتماعی دیگر ابزار پذیرفتنی‌ای برای پیشرفت اجتماعی نیستند. با این حال به‌گونه‌ای متضاد، درست از همان زمان ایالات متحده و کشورهای غربی نگرش خود را نسبت به انقلاب‌ها به‌طور چشمگیری تغییر دادند. هنگامی که به‌نظر رسید خطر استقرار رژیم‌های کمونیستی در نتیجه‌ی انقلاب‌ها از بین رفته و در عوض انقلاب‌های دموکراتیک می‌توانند جایگزین رژیم‌های اقتدارگرا شوند، انقلاب‌ها برای کشورهای غربی به‌عنوان پدیده‌ای مثبت و سودمند در نظر گرفته شدن (مراجعة کنید به Karatnycky و Ackerman 2005، Slinko، Beissinger 2007 و همکاران 2017، Grinin و همکاران 2016؛ همچنین فصل «انقلاب‌های رنگی: موفقیت‌ها و محدودیت‌های اعتراضات غیرقهرآمیز»، Mitchell 2022 در این مجموعه).

به‌گفته‌ی بایسینگر، «انقلاب دموکراتیک به کانون توجه دولت آمریکا و سازمان‌های غیردولتی ترویج‌کننده‌ی دموکراسی به‌عنوان راهبردی برای گذار به دموکراسی تبدیل شده است» (Beissinger 2007: 259)، امروزه انقلاب‌ها اغلب به‌عنوان ابزاری برای دموکراسی در نظر گرفته می‌شوند، همان‌گونه که در سده‌ی هجدهم و اوایل سده‌ی نوزدهم نیز چنین محسوب می‌شد و دموکراسی نیز به هر حال شکلی مثبت از حکومت ارزیابی می‌شد. این موضوع در این پژوهش نیز با جزئیات نسبتاً گسترده‌ای بررسی شده است، به‌ویژه در فصل‌هایی که به «انقلاب‌های رنگی» اختصاص دارند.²³

²² این مسئله یکی از دلایل توجه فزاینده به پژوهش پیرامون انقلاب‌ها بود. برای نمونه در اواسط سال‌های 1950، مؤسسه هوور درباره‌ی جنگ، انقلاب و صلح در استنفورد کالیفرنیا در ایالات متحده مجموعه‌ای از پژوهش‌ها را برای توصیف انقلاب‌های معاصر و تأثیر آن‌ها بر سیاست‌های جهانی و ملی آغاز کرد؛ مراجعه کنید به Fisher 1955: II.

²³ مراجعه کنید به فصل «انقلاب‌های رنگی: موفقیت‌ها و محدودیت‌های اعتراضات غیرقهرآمیز»، Mitchell 2022؛ فصل «انقلاب بولدوزری در صربستان»، Khodunov 2022a؛ فصل «اوتپور صربستان و گسترش انقلاب‌های رنگی»، Filin و همکاران 2022؛ فصل «انقلاب گل رز در گرجستان»، Khodunov 2022c؛ فصل «انقلاب نارنجی در اوکراین»، Khodunov 2022b؛ فصل «انقلاب‌ها در قرقیزستان»، Ivanov 2022؛ فصل «بهار مولداوی 2009: انقلاب نامتعارف هفتم آوریل و روزهای پس از آن»، Tkachuk و همکاران 2022؛ و فصل «جنبش سبز در ایران: 2009–2010»، Filin 2022 در این مجموعه.

در پایان سده بیستم و آغاز سده بیست و یکم، مخالفان رژیم‌های اقتدارگرا به‌طور فزاینده‌ای تاکتیک‌های اعتراضات توده‌ای غیرقهرآمیز را به‌کار گرفتند؛ از این‌رو این سال‌ها به دوره‌ای از انقلاب‌های نوع جدید، یعنی «انقلاب‌های رنگی» تبدیل شد که موفقیت آن‌ها بیش‌ازپیش به روابط و کنش‌های متقابل با قدرت‌های خارجی بستگی داشت.²⁴

همان‌گونه که مارک بایسینگر اشاره می‌کند، «سازمان‌های غیردولتی خارجی ترویج‌کننده دموکراسی، بخش مهمی از انقلاب «میخک» پرتغال در 1974، انقلاب‌های «قدرت مردم» در شرق آسیا یا انقلاب‌های 1989 اروپای شرقی نبودند. اما تحت‌تأثیر شبکه‌های جامعه مدنی‌ای که به آن‌ها خدمت می‌کردند و نیز حامیان مالی دولتی‌شان و اغلب تحت فشار خود دولت‌های سرکوبگر، تعدادی از سازمان‌های غیردولتی آمریکایی‌محور مانند «خانه آزادی» و «بنیاد ملی برای دموکراسی»، «مؤسسه ملی دموکراتیک»، «مؤسسه بین‌المللی جمهوری‌خواه» و «بنیاد سوروس» به‌آرامی به پذیرش شیوه‌های تقابلی‌تر برای پیشبرد تغییرات روی آورده‌اند، هرچند همچنان می‌کوشند تحول دموکراتیک را از درون سیستم ترویج کنند» (Beissinger 2007: 261-262)؛ همچنین مراجعه کنید به فصل «انقلاب‌های رنگی: موفقیت‌ها و محدودیت‌های اعتراضات غیرقهرآمیز»، Mitchell 2022 و فصل «اوتپور صربستان و گسترش انقلاب‌های رنگی»، Filin و همکاران 2022 در این مجموعه).

موج نخست انقلاب‌های موسوم به «رنگی» که نام‌هایی نمادین داشتند، در دهه‌های پایانی سده بیستم در شماری از کشورها شکل گرفت.²⁵ موفق‌ترین نمونه‌ها در جایگزین کردن دیکتاتوری‌ها با دموکراسی، «انقلاب زرد» در فیلیپین که با نام «انقلاب قدرت مردم» نیز شناخته می‌شود، انقلاب‌های ضدکمونیستی در لهستان، مجارستان، آلمان شرقی و چکسلواکی، و نیز انقلاب‌های ضد دیکتاتوری در رومانی و یوگسلاوی بودند. این موفقیت‌ها باعث شد که کشورهای غربی و سازمان‌های غیردولتی وابسته به آن‌ها به ترویج چنین انقلاب‌هایی روی آورند. برای این منظور در کشورهای مورد نظر مخالفان حکومت به‌طور گسترده آموزش می‌دیدند که این آموزش‌ها اغلب توسط مربیان غربی و همچنین مربیان صربستانی مورد حمایت نهادهای یادشده ارائه می‌شد (مراجعه کنید به Beissinger 2007 و Mitchell 2012)؛

²⁴ البته پیش‌تر نیز انقلاب‌هایی مبتنی بر اعتراضات توده‌ای غیرقهرآمیز وجود داشته‌اند که حاکمان را وادار به فرار کرده‌اند؛ بی‌تردید چندین مورد از انقلاب‌های 1848 به این شکل آغاز شدند. همچنین می‌توان استدلال کرد که «انقلاب کبیر» بریتانیا در 1688 نیز عمدتاً از طریق اعتراضات مردمی و جدایی‌نخبگان از حاکم عمل کرد، به‌گونه‌ای که حاکم به‌جای رویارویی قهرآمیز با مخالفان، فرار کرد. با این‌حال اصطلاح «انقلاب‌های رنگی» فقط در اواخر سده بیستم شکل گرفت، زمانی که مخالفان حکومت در فیلیپین، اوکراین و موارد دیگر، روبان‌های رنگی را به‌عنوان نماد جنبش‌های انقلابی خود انتخاب کردند.

²⁵ نکته جالب این است که به‌نظر نمی‌رسد توضیح روشنی درباره این‌که چرا این انقلاب‌ها عنوان مشترک «انقلاب‌های رنگی» را به‌دست آورده‌اند، وجود داشته باشد. لینکلن میچل، نویسنده کتاب Color Revolutions که انقلاب گل رز در گرجستان 2003، انقلاب نارنجی در اوکراین 2004 و انقلاب لاله در قرقیزستان 2005 را بررسی کرده، می‌نویسد: «انقلاب‌های رنگی تا حد زیادی نه رنگ بودند و نه انقلاب...» (Mitchell 2012: 7)؛ همچنین مراجعه کنید به Chernov 2006 و Esenbayev 2009. در واقع، منطقی‌تر بود اگر این انقلاب‌ها را «انقلاب‌های برگرفته از نام گل‌ها» می‌نامیدند نه «رنگی»، زیرا در میان نمونه‌های کلاسیک انقلاب‌های رنگی فقط انقلاب نارنجی اوکراین نامی کاملاً رنگی دارد، در حالی که نام‌های برگرفته از گل‌ها غالب‌اند. علاوه بر انقلاب میخک، انقلاب گل رز و انقلاب لاله که پیش‌تر ذکر شدند، می‌توان به انقلاب ناموفق گل گندم در بلاروس 2006، انقلاب زعفرانی در میانمار 2007 و انقلاب یاس در تونس 2011 نیز اشاره کرد. با این‌حال تنوع نمادهای انقلاب‌های رنگی بسیار فراتر از گل‌هاست؛ برای نمونه می‌توان از «انقلاب بولدوزری» در صربستان 2000، «انقلاب خربزه» در قرقیزستان 2010 یا اعتراضات ضدحکومتی موسوم به «انقلاب چتر» در هنگ‌کنگ 2014 نام برد. با وجود این به‌نظر می‌رسد استفاده از روبان‌های رنگی به‌عنوان نماد مقاومت توده‌ای غیرقهرآمیز در فیلیپین 1986 بود که نام این راهبرد انقلابی را شکل داد، صرف‌نظر از این‌که مخالفان حکومت چه نمادی را انتخاب کرده بودند.

همچنین فصل «اوتپور صربستان و گسترش انقلاب‌های رنگی»، Khodunov، Filin و همکاران 2022 در این مجموع).

متأسفانه در بسیاری از موارد تأثیر مثبت این انقلاب‌ها محدود یا حتی صفر بود و در نهایت رژیم‌های جدیدی شکل گرفتند که همچنان بیش‌ازپیش فاسد بودند، مانند گرجستان و اوکراین در 2004؛ یا ضدانقلاب‌های سرکوبگرانه‌ای شکل گرفت، به‌طور نمونه در بحرین و مصر؛ یا درگیری‌های داخلی بیشتری شکل گرفت، مانند اوکراین در 2014، میانمار، لیبی، سوریه و یمن. از این‌رو پیامدهای منفی برخی انقلاب‌هایی که قرار بود، انقلاب‌های رنگی مسالمت‌آمیز باشند از نسبتاً مهم تا فاجعه‌بار متغیر بوده است.

همان‌گونه که یکی از نویسندگان این فصل اشاره کرده است، «بیشتر کشورهایی که انقلاب‌های رنگی را تجربه کرده‌اند، گذار سریع و قطعی‌ای به دموکراسی نداشته‌اند»؛ (Goldstone 2014b: 116). این انقلاب‌ها همچنان با سرنگونی رژیم قبلی آغاز می‌شوند، اما پس از آن با فرایندی بسیار دشوار و طولانی برای شکل‌دهی رژیم جدید روبه‌رو هستند. انقلاب‌ها به‌طور اجتناب‌ناپذیر دشواری‌های تازه‌ای ایجاد می‌کنند، مبارزه‌ای جدید برای قدرت پدید می‌آورند و احتمال بالایی برای بازگشت به‌سوی اقتدارگرایی به‌وجود می‌آورند.

ماهیت مسالمت‌آمیز انقلاب‌های رنگی این پیامد جانبی را نیز دارد که بسیاری از ساختارها، سازمان‌ها و نیروهای رژیم قبلی دست‌نخورده باقی می‌ماند و در نتیجه رویه‌ها و عادت‌های آن‌ها همچنان به‌عنوان مانعی در برابر تغییرات توسعه‌گرانه ادامه پیدا می‌کند. بنابراین تداوم فساد، دولت ضعیف یا ناکارآمد و کشمکش سیاسی مداوم، اغلب به پیامدی متداول تبدیل می‌شود. این تناقض که انقلاب ممکن است برای تغییر ضروری باشد، اما در عین حال اغلب به شیوه‌ای ویرانگر و نامولد برای پیشرفت در نظام‌های پیچیده اجتماعی-سیاسی معاصر تبدیل می‌شود، بارها و بارها تأیید شده است (مراجعه کنید به Grinin 1997، 2007 و b.2019).

به‌گونه‌ای تناقض‌آمیز، گسترش انقلاب‌های رنگی به‌عنوان ابزاری برای پایان دادن به رژیم‌های اقتدارگرا، به تغییر نگرش حامیان قبلی انقلاب‌ها، یعنی روسیه و چین نیز منجر شد. در حالی که اتحاد جماهیر شوروی و روسیه که خود را پیشاهنگ انقلاب جهانی معرفی می‌کرد و چین نیز در رقابت خود با اتحاد جماهیر شوروی تلاش می‌کرد، انقلاب جهانی را رهبری کند و هر دو از رژیم‌های انقلابی در کوبا، ویتنام، آنگولا، نیکاراگوئه و دیگر کشورها حمایت می‌کردند، اکنون هر دو کشور «انقلاب‌های رنگی» را توطئه‌های خطرناک غرب برای دامن زدن به تعارض و بی‌ثبات کردن دولت‌های منطقه می‌دانند.

در واقع از دید قدرت‌های بزرگ، انقلاب‌ها تلاش گروه‌های تحت‌ستم برای رهایی خود و دستیابی به عدالت بیشتر نیستند، بلکه صرفاً توجیهی برای تلاش قدرت‌های بزرگ رقیب به‌منظور تغییر رژیم و جایگزین کردن رژیم‌های ستیزه‌جو با رژیم‌های همسو با آن‌ها محسوب می‌شوند. این نگرش را می‌توان تا آتن و اسپارت باستان نیز دنبال کرد؛ جایی که آن‌ها نیز انقلاب‌های دموکراتیک یا انقلاب‌های مبتنی بر حکومت اقلیت حاکم را برای کشاندن دولت‌های مورد نظر به اردوگاه خود، به ابزاری سیاسی تبدیل کرده بودند. در حقیقت هیچ‌یک از این دو دیدگاه کاملاً دقیق نیست، زیرا انقلاب‌ها هم مبارزاتی داخلی با انگیزه‌های درونی‌اند و هم تحت‌تأثیر عوامل جهانی هستند.

تأثیر نیروهای خارجی بر انقلاب‌های سده‌ی بیست‌ویکم کاملاً آشکار است، موضوعی که در این مجموعه نیز به‌روشنی اثبات شده است (همچنین مراجعه کنید به Lawson 2019). با این حال همواره می‌بینیم که علل انقلاب‌ها فقط تا اندازه‌ای تحت‌تأثیر عوامل خارجی قرار دارند و در عین حال همواره تبعات نوعی بحران داخلی نیز هستند. در این مجموعه ما می‌کوشیم علل و شرایط چنین بحران‌هایی را در شماری از کشورهای که انقلاب‌های سده‌ی بیست‌ویکم را تجربه کرده‌اند، استنتاج کنیم.

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، تعریفی جهان‌شمول و مورد پذیرش همگان از انقلاب وجود ندارد. این امر از آن‌جا ناشی می‌شود که خیزش‌های انقلابی و شبه‌انقلابی در کشورهایی با سطوح متفاوت توسعه شکل می‌گیرند. در حالی که انقلاب‌ها در کشورهایمانند مصر و تونس در نتیجه تنش‌های اجتماعی داخلی رخ دادند²⁶، در شماری دیگر از کشورهای عربی این انقلاب‌ها ناشی از تعارضات قومی و مذهبی داخلی بودند. این تعارضات هرگز از میان نرفته بودند و تحت‌تأثیر عواملی مانند نارضایتی اجتماعی، الگو گرفتن از سایر کشورها، تحریک اعتراضات و کمک فعال خارجی تشدید شدند. این وضعیت در لیبی، یمن و سوریه مشاهده شد، جایی که مداخله‌ی خارجی تعارضات منطقه‌ای، قومی و مذهبی را تشدید کرد²⁷. این تعارضات فقط از طریق رژیم‌هایی نسبتاً سرکوبگر و اقتدارگرا تحت‌کنترل قرار می‌گیرند و به‌محض آن‌که چنین رژیم‌های سرنگون شود، کشور مربوطه به آشوب کشیده می‌شود. ایده‌ی انقلاب برای کشورهای با ضعف ساختار قدرت، شکاف‌های شدید قومی - ملی و فرهنگی سیاسی که فرایند نوسازی در آن‌ها ناقص مانده، بسیار پرمخاطره است، زیرا معمولاً به بی‌ثباتی شدید منجر می‌شود.

باید توجه داشت که یکی از زمینه‌های اصلی انقلاب در رژیم‌های اقتدارگرای معاصر، ظاهراً از فقدان سازوکارهای روشن و مشروع انتقال قدرت ناشی می‌شود. با توجه به ماهیت رژیم اقتدارگرا انتقال قدرت در غیاب سازوکارهای مشروعیت‌بخش عینی، ناچار باید از الگوی کلاسیک سلطنتی پیروی کند؛ یعنی انتقال قدرت به فرزند، یکی از بستگان یا جانشین تعیین‌شده. با این حال در شرایط کنونی چنین تلاش‌هایی آشکارا با اصول اعلام‌شده‌ی دموکراسی در تضاد قرار می‌گیرند؛ قابل‌توجه است که حتی غیردموکراتیک‌ترین رژیم‌های امروز نیز همچنان به‌طور رسمی نام‌هایی مانند «جمهوری دموکراتیک خلق کره» را بر خود می‌گذارند. از این‌رو ایده‌های دموکراتیک با الزامات ثبات در تعارض قرار می‌گیرند و در نتیجه تجدید قدرت در رژیم‌های اقتدارگرا - چه هنگام برمسند قدرت نشانند جانشین و چه زمانی که یک رژیم اقتدارگرا می‌کوشد از طریق برگزاری انتخابات برای خود مشروعیت ایجاد کند - به نقطه‌ی آسیب‌پذیر آن‌ها تبدیل می‌شود.

3 نتیجه‌گیری

در پایان می‌توان گفت بسیاری از انقلاب‌ها از حل همان مشکلاتی که زمینه‌ی پیدایش‌شان را فراهم کرده ناتوان بوده‌اند. به‌طور نمونه طی ده سال، هیچ‌یک از انقلاب‌های بهار عربی نتوانسته‌اند، حتی یکی از معضلات اساسی را حل

²⁶ مراجعه کنید به فصل «انقلاب یاس در تونس و شکل‌گیری خیزش‌های بهار عربی»، Kuznetsov 2022 و فصل «انقلاب 2011 مصر: تحلیلی ساختاری-جمعیت‌شناختی»، Korotayev و Zinkina 2022 در این مجموعه.

²⁷ مراجعه کنید به فصل «انقلاب سوریه»، Akhmedov 2022؛ فصل «انقلاب در لیبی»، Barmin 2022؛ و فصل «بهار عربی در یمن»، Issaev و همکاران 2022 در این مجموعه.

کنند؛ به استثنای تونس که تا حدی همکاری بین جریان‌های سکولار و اسلام‌گرا شکل گرفت، اما این کشور همچنان درگیر مشکلات شدید اقتصادی و نابرابری‌های منطقه‌ای است؛ (مراجعة کنید به بخش پنجم این مجموعه با عنوان «انقلاب‌های اوایل سده بیست و یکم: موج بهار عربی به عنوان نقطه‌ی عطفی مهم در انقلاب‌ها»؛ همچنین Grinin و همکاران 2016 و Grinin 2019).

اغلب مشاهده می‌کنیم که بسیاری از اقداماتی که برای نوسازی (فرایند گذار جامعه از ساختارهای سنتی به ساختارهای نوین سیاسی، اقتصادی و اجتماعی) ضروری بودند، در چارچوب رژیم‌های پیشاانقلابی یا متحقق نشدند یا ناتمام ماندند. همین مسئله آن رژیم‌ها را در برابر انقلاب آسیب‌پذیر کرد. اما از آنجا که رژیم‌های انقلابی نیز این مشکلات را حل نکرده‌اند، آن‌ها نیز در برابر خیزش‌های آینده آسیب‌پذیر باقی می‌مانند.

انقلاب‌ها بی‌تردید در فرایندهای تاریخی نقشی بسیار مهم ایفا کرده‌اند، هرچند نقش آن‌ها از سده‌ی هفدهم تاکنون به شدت دگرگون شده است؛ (مراجعة کنید به فصل «انقلاب‌ها و فرایند تاریخی Grinin 2022c»، فصل «تکامل و گونه‌شناسی انقلاب‌ها Grinin 2022a» و فصل «امواج انقلابی دوره‌ی آغازین عصر جدید: انواع و مراحل Tsygankov 2022» در این مجموعه).

انقلاب‌های آتلانتیکی (مجموعه انقلاب‌های دو سوی اقیانوس اطلس مانند آمریکا، فرانسه و هائیتی) در اواخر سده‌ی هجدهم و اوایل سده‌ی نوزدهم، ایالات متحده‌ی دموکراتیک را ایجاد و هائیتی و بیشتر کشورهای آمریکای جنوبی را از سلطه‌ی اروپا آزاد کردند. انقلاب‌های 1830 و 1848، با وجود شکست‌های سیاسی در بیشتر کشورها، زمینه‌ی شکل‌گیری دولت‌های معاصر فرانسه، آلمان، سوئیس، بلژیک، هلند، ایتالیا و یونان را فراهم کردند. امواج انقلابی اوایل سده‌ی بیستم نیز چندین امپراتوری بزرگ، از جمله امپراتوری‌های اتریش - مجارستان، آلمان، روسیه و عثمانی را سرنگون کردند و به جای آن‌ها دولت‌های ملی متعددی را پایه‌ریزی کردند. دولت‌های ملی. انقلاب‌های ضداستعماری سده‌ی بیستم به امپریالیسم اروپایی پایان دادند و زمینه را برای شکل‌گیری ده‌ها دولت جدید فراهم کردند، در حالی که انقلاب‌های کمونیستی همان سده تأثیرات عمیقی بر مردم روسیه، چین، کوبا، هندوچین، کره، اروپای شرقی و آسیای مرکزی گذاشتند و جنگ سردی را رقم زدند که چهار دهه ادامه پیدا کرد.

اواخر سده‌ی بیستم و اوایل سده‌ی بیست و یکم شاهد انقلاب‌های اسلامی در ایران، افغانستان، بخش‌هایی از سوریه و عراق و سودان بودیم؛ همچنین تلاش‌های متعدد برای انقلاب‌های اسلامی در دیگر کشورهای آفریقایی نیز شکل گرفت. این تحولات به استقرار رژیم‌های دینی منجر شد (مراجعة کنید به فصل «دو تجربه از احیای اسلامی: انقلاب اسلامی 1979 ایران و شکل‌گیری دولت اسلامی در سوریه و عراق در سال‌های 2010»؛ Filin و همکاران 2022 در این مجموعه).

در همین دوره، انقلاب‌های ضدکمونیستی و انقلاب‌های قدرت مردمی (انقلاب‌های مبتنی بر بسیج گسترده مردم و اعتراضات توده‌ای، غالباً غیرقهرآمیز، برای سرنگونی حکومت) نیز در نقاط مختلف جهان شکل گرفتند؛ انقلاب‌هایی که دیکتاتوری‌های نظامی و حزبی را سرنگون کردند و دست‌کم در اروپای شرقی، دوره‌هایی از دموکراسی و شکوفایی را آغاز کردند؛ هرچند برخی از این دموکراسی‌ها امروز ناقص به نظر می‌رسند یا دوباره به سوی اقتدارگرایی بازمی‌گردند. اگرچه موفقیت‌های این دسته از انقلاب‌ها موجهی از خوش‌بینی نسبت به ظرفیت انقلاب‌های دموکراتیک ایجاد کرد، این خوش‌بینی خیلی زود با جنگ‌های داخلی ویرانگر و فجایع انسانی‌ای که پس از انقلاب‌ها در سوریه، یمن

و لیبی شکل گرفتند، از بین رفت. در واقع این فاجعه‌ها موج‌های گسترده‌ای از پناهیجویان را به‌سوی اروپا روانه کردند؛ تا جایی که دموکراسی‌های اروپایی شروع کردند، سیاست‌های مرزهای باز، پذیرش پناهیجویان و حتی ارزش وجود اتحادیه‌ی اروپا را دوباره مورد بازنگری قرار دهند.

از این رو انقلاب‌ها همچنان مسئله‌ای حل‌نشده باقی مانده‌اند؛ منبعی از تناقض‌ها و پیامدهای پیش‌بینی‌نشده. انقلاب‌ها به‌عنوان سرچشمه‌های عظیم انرژی و دگرگونی و در عین‌حال پدیده‌هایی که پیوسته در حال تغییرند، همچنان نیازمند توجه جدی و پژوهش‌های بیشتر هستند. این موضوع به‌ویژه درباره‌ی انقلاب‌های سده‌ی بیست‌ویکم صدق می‌کند که به‌نظر می‌رسد ویژگی‌ها و شکل‌های تازه‌ای را به نمایش گذاشته‌اند. امید داریم این مجموعه بتواند به درکی عمیق‌تر از تنوع و ماهیت این انقلاب‌ها کمک کند.

جک ا. گلدستون استاد ممتاز سیاست عمومی و دارنده‌ی کرسی «ویرجینیا ا. و جان ت. هیزل جونیور» در دانشگاه جورج میسون است. او همچنین به‌عنوان پژوهشگر مهمان در دانشگاه کالیفرنیا در برکلی و سن‌دیگو، مؤسسه‌ی فناوری کالیفرنیا، دانشگاه کنستانس، دانشگاه کمبریج، مرکز مطالعات پیشرفته در علوم رفتاری استنفورد، و دانشگاه علم و فناوری هنگ‌کنگ فعالیت داشته است.

لئونید گرینین استاد ارشد پژوهشی آزمایشگاه پایش خطرات بی‌ثباتی اجتماعی - سیاسی در دانشگاه عالی اقتصاد مسکو است و هم‌زمان به‌عنوان استاد ارشد پژوهشی در مؤسسه‌ی مطالعات خاورشناسی آکادمی علوم روسیه نیز فعالیت می‌کند. او هم‌ویراستار نشریات بین‌المللی «تکامل اجتماعی و تاریخ» و «مطالعات جهانی‌شدن» و نیز هم‌ویراستار سالنامه‌های بین‌المللی «تکامل»، «تاریخ و ریاضیات» و «امواج کندراتیف» است.

آندری کوروتایف ریاست آزمایشگاه پایش خطرات بی‌ثباتی اجتماعی - سیاسی در دانشگاه عالی اقتصاد مسکو، روسیه را برعهده دارد. او همچنین استاد ارشد پژوهشی در مؤسسه‌ی مطالعات خاورشناسی و مؤسسه‌ی مطالعات آفریقایی آکادمی علوم روسیه، و نیز در دانشکده‌ی مطالعات جهانی دانشگاه دولتی لومونوسوف مسکو و آکادمی ریاست‌جمهوری روسیه برای اقتصاد ملی و مدیریت دولتی است. ریاضیات» و «امواج کندراتیف» است.

منبع:

Handbook of Revolutions in the 21st Century/The New Waves of Revolutions, and the Causes and Effects of Disruptive Political Change/S.37-69

ص. 69-37

ادبیات

Adams, B. (1913). *Theory of Social Revolutions*. The Macmillan Company. theory is yet to come. *Journal of Historical Sociology*, 32, 378–386. <https://doi.org/10.1111/johs.12248>

Ado, A. V. (1977). Zarozhdeniye i stanovleniye sotsiologicheskoy i istoricheskoy mysli Novogo vremeni (XVI–XVIII vv.). In I. S. Galkin (Ed.), *Istoriografiya novoy i noveyshey istorii stran Evropy i Ameriki* (pp. 12–39). MGK.

Akhmedov, V. (2022). The Syrian revolution. In: J. A. Goldstone, L. Grinin, A. Korotayev (Eds.), *Handbook of Revolutions in the 21st Century: The New Waves of Revolutions, and the Causes and Effects of Disruptive Political Change* (pp. 707–723). Springer.
https://doi.org/10.1007/978-3-030-86468-2_27

Albrecht, H., & Koehler, K. (2020). Revolutionary mass uprisings in authoritarian regimes. *International Area Studies Review*, 23(2), 135–159.
<https://doi.org/10.1177/2233865920909611>

Amman, P. (1962). Revolution: A redefinition. *Political Science Quarterly*, 77, 36–53.

Allinson, J. (2019). A fifth generation of revolutionary theory? *Journal of Historical Sociology*, 32(1), 142–151. <https://doi.org/10.1111/johs.12220>

Aslund, A., & McFaul, M. (Eds.). (2006). *Revolution in Orange*. Carnegie Endowment for International Peace.

Aya, R. (1979). Theories of revolution reconsidered. *Theory and Society*, 8(1), 39–99.

Bailey, C. (1830). *Discourse of the Causes of Political Revolution*. W. Strange and B. Barry.

Barany, Z. (2016). *How Armies Respond to Revolutions and Why*. Princeton University Press.

Barmin, Y. (2022). Revolution in Libya. In: J. A. Goldstone, L. Grinin, A. Korotayev (Eds.), *Handbook of Revolutions in the 21st Century: The New Waves of Revolutions, and the Causes and Effects of Disruptive Political Change* (pp. 725–738). Springer.
https://doi.org/10.1007/978-3-030-86468-2_28

Barnave, A.-P. (1971). *Power, Property, and History: Barnave's Introduction to the French Revolution and Other Writings*. Transl. with an Introductory Essay by E. Chill. Harper & Row.

Bazard, S.-A. (1831). *Doctrine de Saint-Simon*. Bureau du Globe.

Bayer, M., Bethke, F. S., & Lambach, D. (2016). The democratic dividend of nonviolent resistance. *Journal of Peace Research*, 53(6), 758–771.
<https://doi.org/10.1177/0022343316658090>

Bearman, P. S. (1993). *Relations into Rhetorics: Local Elite Social Structure in Norfolk, England 1540–1640*. Rutgers University Press.

Beck, C. J. (2011). The world-cultural origins of revolutionary waves: Five centuries of European contention. *Social Science History*, 35(2), 167–207.
<https://doi.org/10.1017/S0145553200011482>

- Beck, C. J. (2014). Reflections on the revolutionary wave in 2011. *Theory and Society*, 43(2), 197–223. <https://doi.org/10.1007/s11186-014-9213-8>
- Beck, C. J. (2018). The structure of comparison in the study of revolution. *Sociological Theory*, 36(2), 134–161. <https://doi.org/10.1177/0735275118777004>
- Bernstein, R. B. (2004 [1874]). *Thomas Jefferson: The Revolution of Ideas*. Oxford University Press.
- Beissinger, M. R. (2007). Structure and example in modular political phenomena: The diffusion of bulldozer/rose/orange/tulip revolutions. *Perspectives on Politics*, 5(2), 259–276. <https://doi.org/10.1017/S1537592707070776>
- Beissinger, M. R. (Forthcoming). *The Revolutionary City*. Princeton University Press.
- Berdyayev, N. (1928). Russkaya Religioznaya Mysl' i Revolyutsiya. *Vyorsty*, 3, 40–62.
- Berdyayev, N. (1990 [1923]). *Filosofiya neravenstva. Pis'ma k Nedrugam po Sotsial'noy Filosofii. Pis'mo Pervoye O Russkoy Revolyutsii*. YMCA-Press.
- Blamires, C. P. (1985). *Three Critiques of the French Revolution: Maistre, Bonald and Saint-Simon*. Unpublished D. Phil. thesis, History Faculty, University of Oxford.
- Boix, C. (2011). Democracy, development, and the international system. *American Political Science Review*, 105(04), 809–828. <https://doi.org/10.1017/S0003055411000402>
- Bowlsby, E., Chenoweth, E., Hendrix, C., & Moyer, J. D. (2020). The future is a moving target: Predicting political instability. *British Journal of Political Science*, 50, 1405–1417.
- Brinton, C. (1938). *Anatomy of Revolution*. Prentice-Hall.
- Brinton, C. (1965). *Anatomy of Revolution* (2nd ed.). Harper & Row.
- Bullock, A., & Stallybras, O. (Eds.). (1977). *The Fontana Dictionary of Modern Thought*. Fontana/Collins.
- Bunce, V. J., & Wolchik, S. L. (2011). *Defeating Authoritarian Leaders in Postcommunist Countries*. Cambridge University Press.
- Burke, E. (1965 [1790]). *Reflections on the Revolution in France*. Arlington House.
- Butcher, C., & Svensson, I. (2016). Manufacturing dissent: Modernization and the onset of major nonviolent resistance campaigns. *Journal of Conflict Resolution*, 60(2), 311–339. <https://doi.org/10.1177/0022002714541843>
- Carlyle, T. (1903 [1837]). *The French Revolution. A History*. Hodder & Stoughton.
- Celestino, M. R., & Gleditsch, K. S. (2013). Fresh carnations or all thorn, no rose? Nonviolent campaigns and transitions in autocracies. *Journal of Peace Research*, 50(3), 385–400.

- Chenoweth, E., & Stepan, M. J. (2011). *Why Civil Resistance Works: The Strategic Logic of Nonviolent Conflict*. Columbia University Press.
- Chernov, V. (2006). Revolyutsiya i poryadok. *Nashe mnenie*, 3, 47–51.
- Chiot, D. (Ed.). (1991). *The Crisis of Leninism and the Decline of the Left: The Revolutions of 1989*. University of Washington Press.
- Clarendon, E. H. (1888 [1641; publ. 1702–1704]). *History of the Rebellion and Civil Wars in England: Begun in the Year 1641 by Edward Hyde, 1st Earl of Clarendon*. In 3 vols. Clarendon Press.
- Clark, J. (1862). *History and Theory of Revolutions*. From the Princeton for April 1862. William S. & Alfred Martien.
- Dalin, V. (1981). *Istoriki Frantsii XIX–XX vekov*. Nauka.
- Davies, J. C. (1962). Toward a theory of revolution. *American Sociological Review*, 27(1), 5–19.
- Davies, J. C. (1969). Toward a theory of revolution. In B. McLaughlin (Ed.), *Studies in Social Movements* (pp. 85–108). Free Press.
- de Bonald, L. (1836). *Essai analytique sur les lois naturelles de l'ordre social, ou du pouvoir, du ministre et du sujet dans la société, 1800*. Le Clere.
- de Mably, G. B. (1972 [1758/1789]). *Des droits et des devoirs du citoyen*. Éd. crit. par Jean-Louis Lecercle. Didier.
- de Maistre, J. M. (1841 [1796]). *Considérations sur la France: principe générateur des constitutions politiques, etc. délais de la justice divine. Du pape. De l'église Gallicane*. Imprimerie catholique de Migne.
- de Tocqueville, A. (1896). *The Recollections of Alexis de Tocqueville*. Macmillan.
- de Tocqueville, A. (1955 [1856]). *The Old Regime and the French Revolution*. Doubleday.
- DeFronzo, J. (1996). *Revolutions and Revolutionary Movements*. Westview.
- Della Porta, D. (2016). *Where Did the Revolution Go?* Cambridge University Press.
- Dogan, M., & Higley, J. (1998). *Elites, Crises, and the Origins of Regimes*. Rowman & Littlefield.
- Drabkin, Y. (1968). Revolyutsiya. In E. Zhukov (Ed.), *Sovetskaya istoricheskaya entsiklopediya* (Vol. 11, pp. 926–933). Sovetskaya entsiklopediya.
- Djuve, V. L., Knutsen, C. H., & Wig, T. (2020). Patterns of regime breakdown since the French revolution. *Comparative Political Studies*, 53(6), 923–958.
- Eckstein, S. (1982). The impact of revolution on social welfare in Latin America. *Theory and Society*, 11, 43–94.

- Eckstein, S. (1986). The impact of the Cuban revolution: A comparative perspective. *Comparative Studies in Society and History*, 28, 503–534.
- Edwards, L. P. (1927). *The Natural History of Revolution*. University of Chicago Press.
- Edwards, L. P. (1965). *The Natural History of Revolution* (2nd ed.). University of Chicago Press.
- Eisenstadt, S. (1978). *Revolution and the Transformation of Societies*. The Free Press.
- Ellwood, C. A. (1905). A psychological theory of revolutions. *American Journal of Sociology*, 11, 49–59.
- Engels, F. (1977 [1878]). *Anti-Dühring. Herr Eugen Dühring's Revolution in Science*. Progress Publishers.
- Engels, F. (1979 [1851–1852]). *Revolution and Counter-Revolution in Germany. Marx-Engels Collected Works*, 10, 3–96. Progress Publishers.
- Epstein, D. L., Bates, R., Goldstone, J. A., Kristensen, I., & O'Halloran, S. (2006). Democratic transitions. *American Journal of Political Science*, 50(3), 551–569.
<https://doi.org/10.1111/j.1540-5907.2006.00201.x>
- Esenbaev, A. (2009). «Revolutsiya tyul'panov v Kyrgyzstane i osobennosti transformatsii politicheskoy sistemy: Popytka osmysleniya». *Vlast*, 3, 144–147.
- Esty, D., Goldstone, J. A., Gurr, T. R., Harff, B., Levy, M., Dabelko, G. D., Surko, P., & Unger, A. N. (1998). *State failure task force report: Phase II findings*. Science Application International Corporation, McLean.
- Fairchild, H. P. (1966). *Dictionary of sociology and related sciences*. Littlefield, Adams.
- Feierabend, I. K., Feierabend, R. L., & Nesvold, B. (1969). Social change and political violence: Cross-national patterns. In H. D. Graham & T. R. Gurr (Eds.), *Violence in America* (pp. 606–688). Signet.
- Feierabend, I. K., & Feierabend, R. L. (1972). Systematic conditions of political aggression: An application of frustration-aggression theory. In I. K. Feierabend, R. L. Feierabend, & T. R. Gurr (Eds.), *Anger, violence, and politics: Theories and research* (pp. 136–183). Prentice-Hall.
- Filali-Ansary, A. (2012). The languages of the Arab revolutions. *Journal of Democracy*, 23(2), 5–18. <https://doi.org/10.1353/jod.2012.0035>
- Filin, N. (2022). The green movement in Iran: 2009–2010. In J. A. Goldstone, L. Grinin, & A. Korotayev (Eds.), *Handbook of revolutions in the 21st century: The new waves of revolutions, and the causes and effects of disruptive political change* (pp. 571–592). Springer.
https://doi.org/10.1007/978-3-030-86468-2_22
- Filin, N., Khodunov, A., & Koklikov, V. (2022). Serbian “Otpor” and the color revolutions’ diffusion. In J. A. Goldstone, L. Grinin, & A. Korotayev (Eds.), *Handbook of revolutions in the*

21st century: The new waves of revolutions, and the causes and effects of disruptive political change (pp. 465–482). Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-030-86468-2_17

Fisher, H. H. (1955). *The communist revolution: An outline of strategy and tactics*. Stanford University Press.

Forrest, W. G. (1979). *The emergence of Greek democracy*. McGraw-Hill.

Foran, J. (1993). Theories of revolution revisited? Towards a fourth generation. *Sociological Theory*, 11(1), 1–20.

Foran, J. (2005). *Taking power: On the origins of third world revolutions*. Cambridge University Press.

Gavlin, M., & Kazakova, L. (1980). *Sovremennye burzhuaznye teorii sotsial'noy revolyutsii*. Nauka.

Geiger, T. (1931). Revolution. In A. Vierkandt (Ed.), *Handwörterbuch der Soziologie*. Ferdinand Enke.

Geschwender, J. A. (1968). Explorations in the theory of social movements and revolution. *Social Forces*, 47, 127–135.

Giddens, A. (1989). *Sociology*. Polity Press.

Goldstone, J. A. (1980). Theories of revolutions: The third generation. *World Politics*, 32, 425–453.

Goldstone, J. A. (1991). *Revolution and rebellion in the early modern world*. University of California Press.

Goldstone, J. A. (2001). Toward a fourth generation of revolutionary theory. *Annual Review of Political Science*, 4, 139–187. <https://doi.org/10.1146/annurev.polisci.4.1.139>

Goldstone, J. A. (2002). Population and security: How demographic change can lead to violent conflict. *Journal of International Affairs*, 56(1), 11–12.

Goldstone, J. A. (2009). Rethinking revolutions: Integrating origins, processes, and outcomes. *Comparative Studies of South Asia, Africa, and the Middle East*, 29, 8–32.
<https://doi.org/10.1215/1089201X-2008-040>

Goldstone, J. A. (2011a). Cross-class coalitions and the making of the Arab revolts of 2011. *Swiss Political Science Review*, 17(4), 457–462. <https://doi.org/10.1111/j.1662-6370.2011.02038.x>

Goldstone, J. A. (2011b). Understanding the revolutions of 2011: Weakness and resilience in Middle Eastern autocracies. *Foreign Affairs*, 90(3), 8–16.

- Goldstone, J. A. (2014a). *Protests in Ukraine, Thailand, and Venezuela: What unites them*. *Russia Direct*, 21.02.2014. <http://www.russia-direct.org/content/protests-ukraine-thailand-and-venezuela-what-unites-them>
- Goldstone, J. A. (2014b). *Revolutions: A very short introduction*. Oxford University Press.
- Goldstone, J. A. (2016). *Revolution and rebellion in the early modern world: Population change and state breakdown in England, France, Turkey and China 1600–1850* (25th Anniversary ed.). Routledge.
- Goldstone, J. A., Bates, R., Epstein, D., Gurr, T., Lustik, M., Marshall, M., Ulfelder, J., & Woodward, M. (2010). A global model for forecasting political instability. *American Journal of Political Science*, 54(1), 190–208. <https://doi.org/10.1111/j.1540-5907.2009.00426.x>
- Goldstone, J. A., Grinin, L., & Korotayev, A. (2022). Introduction. Changing yet persistent: Revolutions and revolutionary events. In J. A. Goldstone, L. Grinin, & A. Korotayev (Eds.), *Handbook of revolutions in the 21st century: The new waves of revolutions, and the causes and effects of disruptive political change* (pp. 1–33). Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-030-86468-2_1
- Goldstone, J. A., Gurr, T., Harff, B., Levy, M., Marshall, M., Bates, R., Epstein, D., Kahl, C., Surko, P., Ulfelder, J., & Unger, A., Jr. (2003). *State failure task force report: Phase III findings*. Science Applications International Corporation (SAIC).
- Goodwin, J. (2001). *No other way out: States and revolutions movements 1945–1991*. Cambridge University Press.
- Grinin, L. (1997). Formatsii i tsivilizatsii. Ch. 2. *Filosofiya i Obschestvo*, 2, 5–89.
- Grinin, L. (2004a). Democracy and early state. *Social Evolution & History*, 3(2), 93–149.
- Grinin, L. (2004b). Early state and democracy. In L. Grinin, R. L. Carneiro, D. M. Bondarenko, N. N. Kradin, & A. V. Korotayev (Eds.), *The early state, its alternatives and analogues* (pp. 419–463). Uchitel.
- Grinin, L. (2007). *Filosofiya, sotsiologiya i teoriya istorii* (4th ed.). KomKniga/URSS.
- Grinin, L. (2010a). *Gosudarstvo i istoricheskiy protsess: Evolyutsiya gosudarstvennosti: Ot rannego gosudarstva k zrelomu*. Knizhniy Dom «Librokom»/URSS.
- Grinin, L. (2010b). Teoriya, metodologiya i filosofiya istorii: Ocherki razvitiya istoricheskoy mysli ot drevnosti do serediny XIX veka. Lektsiya 8, 9. *Filosofiya i Obschestvo*, 4.
- Grinin, L. (2011). *The evolution of statehood: From early state to global society*. Uchitel.
- Grinin, L. (2012a). *Macrohistory and globalization*. Uchitel.
- Grinin, L. (2012b). New foundations of international system, or why do states lose their sovereignty in the age of globalization? *Journal of Globalization Studies*, 3(1), 3–38.

- Grinin, L. (2012c). State and socio-political crises in the process of modernization. *Clodynamics: The Journal of Theoretical and Mathematical History*, 3(1), 24–157.
- Grinin, L. (2012d). *Ot Konfutsiya do Konta. Stanovleniye teorii, metodologii i filosofii istorii*. LIBROKOM/URSS.
- Grinin, L. (2013). State and socio-political crises in the process of modernization. *Social Evolution & History*, 12(2), 35–76.
- Grinin, L. (2014). Early state and ancient democracy. In Y. Lin, L. Grinin, A. V. Korotayev, & J. Yi (Eds.), *Political systems of early states. Proceedings of the conference on political systems of early states, June 19–22, 2013, Xi'an, China* (pp. 74–85). Science Press.
- Grinin, L. (2018a). Revolutions: An insight into a five centuries' trend. *Social Evolution & History*, 17(2), 171–204.
- Grinin, L. (2018b). Revolutions and historical process. *Journal of Globalization Studies*, 9(2), 126–141.
- Grinin, L. (2019a). Historical materialism and Marxist history. In F. Dean (Ed.), *The Routledge companion to Jewish history and historiography* (pp. 501–510). Routledge.
- Grinin, L. (2019b). Revolutions in the light of historical process. *Social Evolution & History*, 18(2), 260–285.
- Grinin, L. (2019c). Islamism and globalization. *Journal of Globalization Studies*, 10(2), 21–36. <https://doi.org/10.30884/jogs/2019.02.02>
- Grinin, L. (2022a). Evolution and typology of revolutions. In J. A. Goldstone, L. Grinin, & A. Korotayev (Eds.), *Handbook of revolutions in the 21st century: The new waves of revolutions, and the causes and effects of disruptive political change* (pp. 173–200). Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-030-86468-2_6
- Grinin, L. (2022b). On revolutionary situations, stages of revolution, and some other aspects of the theory of revolution. In J. A. Goldstone, L. Grinin, & A. Korotayev (Eds.), *Handbook of revolutions in the 21st century: The new waves of revolutions, and the causes and effects of disruptive political change* (pp. 69–104). Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-030-86468-2_3
- Grinin, L. (2022c). Revolutions and historical process. In J. A. Goldstone, L. Grinin, & A. Korotayev (Eds.), *Handbook of revolutions in the 21st century: The new waves of revolutions, and the causes and effects of disruptive political change* (pp. 139–171). Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-030-86468-2_5
- Grinin, L. (2022d). Revolutions and modernization traps. In J. A. Goldstone, L. Grinin, & A. Korotayev (Eds.), *Handbook of revolutions in the 21st century: The new waves of revolutions, and the causes and effects of disruptive political change* (pp. 219–238). Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-030-86468-2_8

- Grinin, L. (2022e). The European revolutions and revolutionary waves of the 19th century: Their causes and consequences. In J. A. Goldstone, L. Grinin, & A. Korotayev (Eds.), *Handbook of revolutions in the 21st century: The new waves of revolutions, and the causes and effects of disruptive political change* (pp. 281–313). Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-030-86468-2_11
- Grinin, L., & Grinin, A. (2020). Revolutions of the 20th century: A theoretical-quantitative analysis. *Polis (Russian Federation)*, 5, 130–147. <https://doi.org/10.17976/jpps/2020.05.10>
- Grinin, L., & Grinin, A. (2022). Revolutionary waves and lines of the 20th century. In J. A. Goldstone, L. Grinin, & A. Korotayev (Eds.), *Handbook of revolutions in the 21st century: The new waves of revolutions, and the causes and effects of disruptive political change* (pp. 315–388). Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-030-86468-2_12
- Grinin, L., Issaev, L. M., & Korotayev, A. V. (2016). *Revolutsii i nestabil'nost' na Blizhnem Vostoke* (2nd ed.). Moskovskaya redaktsiya izdatel'stva «Uchitel'».
- Grinin, L., & Korotayev, A. V. (2014). Revolution and democracy in the context of globalization. In E. Kiss (Ed.), *The dialectics of modernity—Recognizing globalization. Studies on the theoretical perspectives of globalization* (pp. 119–140). Arisztotelész Kiadó.
- Grinin, L., & Korotayev, A. (2020). Metodologicheskiye poyasneniya k issledovaniyu revolyutsionnykh sobytiy. *Sistemnyi Monitoring Globalnyh i Regionalnyh Riskov*, 11, 854–861.
- Grinin, L., & Korotayev, A. (2022a). Revolutions, counterrevolutions, and democracy. In J. A. Goldstone, L. Grinin, & A. Korotayev (Eds.), *Handbook of revolutions in the 21st century: The new waves of revolutions, and the causes and effects of disruptive political change* (pp. 105–136). Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-030-86468-2_4
- Grinin, L., & Korotayev, A. (2022b). The Arab spring: Causes, conditions, and driving forces. In J. A. Goldstone, L. Grinin, & A. Korotayev (Eds.), *Handbook of revolutions in the 21st century: The new waves of revolutions, and the causes and effects of disruptive political change* (pp. 595–624). Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-030-86468-2_23
- Grinin, L., Korotayev, A., & Tausch, A. (2019). *Islamism, Arab spring, and the future of democracy*. Springer.
- Guizot, M. (1844 [1836]). *Essais sur l'histoire de France*. Charpentier.
- Gurr, T. R. (1968). A causal model of civil strife: A comparative analysis using new indices. *American Political Science Review*, 62, 1104–1124.
- Gurr, T. R. (1970). *Why men rebel*. Princeton University Press.
- Gurr, T. R. (1988). War, revolution, and the growth of the coercive state. *Comparative Political Studies*, 21, 45–65.

- Haggard, S., & Kaufman, R. R. (1995). *The political economy of democratic transitions*. Princeton University Press.
- Hagopian, M. (1974). *The phenomenon of revolution*. Dodd, Mead.
- Halliday, F. (1999). *Revolution and world politics*. Duke University Press.
- Hart, M. (1971). *The dynamics of revolution*. Stockholm.
- Hough, J. (1997). *Democratization and revolution in the USSR 1985–1991*. Brookings Institution Press.
- Huntington, S. P. (1968). *Political order in changing societies*. Yale University Press.
- Hume, D. (1773). *The history of England*. T. Cadell.
- Issaev, L., Khokhlova, A., & Korotayev, L. (2022). The Arab Spring in Yemen. In J. A. Goldstone, L. Grinin, & A. Korotayev (Eds.), *Handbook of revolutions in the 21st century: The new waves of revolutions, and the causes and effects of disruptive political change* (pp. 685–705). Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-030-86468-2_26
- Ivanov, E. (2022). Revolutions in Kyrgyzstan. In J. A. Goldstone, L. Grinin, & A. Korotayev (Eds.), *Handbook of revolutions in the 21st century: The new waves of revolutions, and the causes and effects of disruptive political change* (pp. 517–547). Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-030-86468-2_20
- Jayawardena, K. (2016). *Feminism and nationalism in the third world*. Verso.
- Jefferson, T. A. (1998). *The life and selected writings of Thomas Jefferson: Including the autobiography, The Declaration of Independence & his public and private letters*. Modern Library.
- Jenkins, J. C. (1982). Why do peasants rebel? Structural and historical theories of modern peasant rebellions. *American Journal of Sociology*, 88(3), 487–514.
- Jessop, B. (1972). *Social order, reform, and revolution*. Macmillan.
- Johnson, Ch. (1968). *Revolutionary change*. Little, Brown.
- Kadivar, M. A., & Caren, N. (2016). Disruptive democratization: Contentious events and liberalizing outcomes globally, 1990–2004. *Social Forces*, 94(3), 975–996. <https://doi.org/10.1093/sf/sov096>
- Kadivar, M. A., & Ketchley, N. (2018). Sticks, stones, and Molotov cocktails: Unarmed collective violence and democratization. *Socius: Sociological Research for a Dynamic World*, 4, 1–16. <https://doi.org/10.1177/2378023118773614>
- Karasev, D. (2022). The “problem of structure and agency” and contemporary sociology of revolution and social movements. In J. A. Goldstone, L. Grinin, & A. Korotayev (Eds.), *Handbook of revolutions in the 21st century: The new waves of revolutions, and the causes*

and effects of disruptive political change (pp. 201–217). Springer.

https://doi.org/10.1007/978-3-030-86468-2_7

Karatnycky, A., & Ackerman, P. (2005). *How freedom is won: From civic resistance to durable democracy*. Freedom House.

Katz, M. N. (1999). *Revolutions and revolutionary waves*. Palgrave Macmillan.

Kautsky, K. (1899). *The class struggle*. New York Labor News.

Kautsky, K. (1903). *The social revolution and on the day after the social revolution*. Twentieth Century Press.

Keller, F. (2012). *(Why) do revolutions spread?* Paper presented at the 2012 meeting of the American Political Science Association.

Khodunov, A. (2022a). The Bulldozer revolution in Serbia. In J. A. Goldstone, L. Grinin, & A. Korotayev (Eds.), *Handbook of revolutions in the 21st century: The new waves of revolutions, and the causes and effects of disruptive political change* (pp. 447–463). Springer.

https://doi.org/10.1007/978-3-030-86468-2_16

Khodunov, A. (2022b). The Orange revolution in Ukraine. In J. A. Goldstone, L. Grinin, & A. Korotayev (Eds.), *Handbook of revolutions in the 21st century: The new waves of revolutions, and the causes and effects of disruptive political change* (pp. 501–515). Springer.

https://doi.org/10.1007/978-3-030-86468-2_19

Khodunov, A. (2022c). The Rose revolution in Georgia. In J. A. Goldstone, L. Grinin, & A. Korotayev (Eds.), *Handbook of revolutions in the 21st century: The new waves of revolutions, and the causes and effects of disruptive political change* (pp. 483–499). Springer.

https://doi.org/10.1007/978-3-030-86468-2_18

Kim, N. K. (2017). Anti-regime uprisings and the emergence of electoral authoritarianism. *Political Research Quarterly*, 70(1), 111–126. <https://doi.org/10.1177/1065912916675739>

Kim, N. K., & Kroeger, A. M. (2019). Conquering and coercing: Nonviolent anti-regime protests and pathways to democracy. *Journal of Peace Research*, 56(5), 650–666. <https://doi.org/10.1177/0022343319830267>

Koch, C. W. (1836). *History of the revolution in Europe: From the subversion of the Roman Empire in the West, till the Congress of Vienna*. Revised and corrected by J. G. Cogswell. In 2 vols. E. Hunt.

Koehler, K., & Albrecht, H. (2021). Revolutions and the military: Endgame coups, instability, and prospects for democracy. *Armed Forces & Society*, 47(1), 148–176. <https://doi.org/10.1177/0095327X19881747>

Korotayev, A. (2004). *World religions and social evolution of the Old World Oikumene civilizations: A cross-cultural perspective*. The Edwin Mellen Press.

Korotayev, A. (2014). Technological growth and sociopolitical destabilization: A trap at the escape from the trap? In K. Mandal, N. Asheulova, & S. Kirdina (Eds.), *Socio-economic and technological innovations: Mechanisms and institutions* (pp. 113–134). Narosa Publishing House.

Korotayev, A., Issaev, L., & Shishkina, A. (2016). Egyptian coup of 2013: An econometric analysis. *The Journal of North African Studies*, 21(3), 341–356.

<https://doi.org/10.1080/13629387.2015.1124238>

Korotayev, A., Issaev, L., & Zinkina, J. (2015). Center-periphery dissonance as a possible factor of the revolutionary wave of 2013–2014: A cross-national analysis. *Cross-Cultural Research*, 49(5), 461–488. <https://doi.org/10.1177/1069397115595374>

Korotayev, A., Malkov, S., & Grinin, L. (2014). A trap at the escape from the trap? Some demographic structural factors of political instability in modernizing social systems. In L. Grinin & A. Korotayev (Eds.), *History & mathematics: Trends and cycles* (pp. 201–267). Uchitel.

Korotayev, A., & Shishkina, A. (2020). Relative deprivation as a factor of sociopolitical destabilization: Toward a quantitative comparative analysis of the Arab Spring events. *Cross-Cultural Research*, 54(2–3), 296–318. <https://doi.org/10.1177/1069397119882364>

Korotayev, A., Vaskin, I., Bilyuga, S., & Ilyin, I. (2018). Economic development and sociopolitical destabilization: A re-analysis. *Cliodynamics*, 9(1), 59–118.

<https://doi.org/10.21237/C7clio9137314>

Korotayev, A., & Zinkina, J. (2022). Egypt's 2011 revolution: A demographic structural analysis. In J. A. Goldstone, L. Grinin, & A. Korotayev (Eds.), *Handbook of revolutions in the 21st century: The new waves of revolutions, and the causes and effects of disruptive political change* (pp. 651–683). Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-030-86468-2_25

Korotayev, A., Zinkina, J., Kobzeva, S., Bogevolnov, J., Khaltourina, D., Malkov, A., & Malkov, S. (2011). A trap at the escape from the trap? Demographic-structural factors of political instability in modern Africa and West Asia. *Cliodynamics*, 2(2), 276–303.

<https://doi.org/10.21237/C7clio22217>

Kovalev, A. (1969). *Sotsial'naya revolyutsiya*. Vysshaya shkola.

Kramnick, I. (1972). *Revolution: Definitions and explanations, a critique of recent scholarship*. New Haven CT.

Kurzman, C. (2004). *The unthinkable revolution in Iran*. Harvard University Press.

Kurzman, C. (2008). *Democracy denied 1905–1915: Intellectuals and the fate of democracy*. Harvard University Press.

Kuznetsov, V. (2022). The Jasmine Revolution in Tunisia and the birth of the Arab Spring uprisings. In J. A. Goldstone, L. Grinin, & A. Korotayev (Eds.), *Handbook of revolutions in the*

21st century: The new waves of revolutions, and the causes and effects of disruptive political change (pp. 625–649). Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-030-86468-2_24

Lachmann, R. (1997). Agents of revolution: Elite conflicts and mass mobilization from the Medici to Yeltsin. In J. Foran (Ed.), *Theorizing revolutions* (pp. 73–101). Routledge.

Landauer, G. (1912). *Die revolution*. Rutten.

Lawson, G. (2005). *Negotiated revolutions: The Czech Republic, South Africa and Chile*. Routledge.

Lawson, G. (2015). Revolution, nonviolence and the Arab uprisings. *Mobilization*, 20(4), 453–470. <https://doi.org/10.17813/1086-671X-20-4-453>

Lawson, G. (2016). Within and beyond the “Fourth Generation” of revolutionary theory. *Sociological Theory*, 34(2), 106–127. <https://doi.org/10.1177/0735275116649221>

Lawson, G. (2019). *Anatomies of revolutions*. Cambridge University Press.

LeBon, G. (1913). *The psychology of revolutions*. Ernest Benn.

Lederer, E. (1918). Einige gedanken zur Sociologie der Revolutionen. *Der Neue Geist*.

Lederer, E. (1936). On revolutions. *Social Research*, 3, 1–18.

Lenin, V. (1969 [1917]). O dvoevlastii. In V. Lenin, *Poln. sobr. soch.* (5th ed., Vol. 31, pp. 145–148). Politizdat.

Lenin, V. (2017 [1917]). *State and revolution*. Aziloth Books.

Lipset, S. M. (1959). Some social requisites of democracy: Economic development and political legitimacy. *American Political Science Review*, 53(1), 69–105.

Luxemburg, R. (1991). *O sotsializme i russkoy revolyutsii. Izbrannyye stat'i, rechi, pis'ma*. Izdatel'stvo politicheskoy literatury.

Lynch, M. (2012). *The Arab uprising: The unfinished revolutions of the New Middle East*. Public Affairs.

Marx, K. (1957 [1848]). Burzhuaziya i revolyutsiya. In K. Marx & F. Engel's (Eds.), *Sobranie sochineniy* (2nd ed., Vol. 6). Gosudarstvennoe izdatel'stvo politicheskoy literatury.

Marx, K. (1994 [1859]). Preface to a contribution to the critique of political economy. In *Selected writings*. Hackett.

Marx, K. (2000 [1844]). Critical remarks on the article: “The King of Prussia and social reform.” In D. McLellan (Ed.), *Selected writings* (pp. 134–138). Oxford University Press.

Marx, K. (2000 [1850]). The class struggles in France. In D. McLellan (Ed.), *Selected writings* (pp. 313–325). Oxford University Press.

- Marx, K. (2000 [1852]). The eighteenth Brumaire of Louis Bonaparte. In D. McLellan (Ed.), *Selected writings* (pp. 329–355). Oxford University Press.
- Mau, V., & Starodubrovskaya, I. (2001). *The challenge of revolution: Contemporary Russia in historical perspective*. Oxford University Press.
- Michelet, J. (1847). *History of the French revolution*. N. G. Bohn.
- Mignet, F.-A. (1824). *Histoire de la Révolution française*. Firmin Didot père & fils.
- Mitchell, L. A. (2012). *The color revolutions*. University of Pennsylvania Press.
- Mitchell, L. A. (2022). The “color” revolutions: Successes and limitations of non-violent protest. In J. A. Goldstone, L. Grinin, & A. Korotayev (Eds.), *Handbook of revolutions in the 21st century: The new waves of revolutions, and the causes and effects of disruptive political change* (pp. 435–445). Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-030-86468-2_15
- Moghadam, V. (1994). *Identity politics and women: Cultural reassertions and feminisms in international perspective*. Westview Press.
- Moghadam, V. (2005). *Globalizing women: Transnational feminist networks*. Johns Hopkins University Press.
- Moore, B. (1966). *Social origins of dictatorship and democracy*. Beacon Press.
- Morrison, D. E. (1971). Some notes towards a theory on relative deprivation, social movements, and social change. *American Behavioral Scientist*, 14, 675–690.
- Nepstad, S. (2011). *Nonviolent revolutions*. Oxford University Press.
- Nepstad, S. (2015). *Nonviolent struggle: Theories, strategies, and dynamics*. Oxford University Press.
- Neumann, S. (1949). The international civil war. *World Politics*, 3, 333–334.
- Ober, J. (1998). *The Athenian revolution*. Princeton University Press.
- Olson, M. (1963). Rapid growth as a destabilizing force. *The Journal of Economic History*, 23(4), 529–552.
- Paige, J. M. (1975). *Agrarian revolution: Social movements and export agriculture in the underdeveloped world*. Free Press.
- Parsa, M. (2000). *States, ideologies, and social revolutions*. Cambridge University Press.
- Pettee, G. S. (1938). *The process of revolution*. Harper.
- Rabasa, A., Gordon, J. IV, Chalk, P., Chivvis, C. S., Grant, A. K., Scott McMahon, K., Miller, L. E., Overhaus, M., & Pezard, S. (2011). *From insurgency to stability* (Vol. 1: *Key capabilities and practices*). RAND Corporation.

- Rasler, K., Thompson, W. R., & Bou Nassif, H. (2022). The extent of military involvement in nonviolent, civilian revolts and their aftermath. In J. A. Goldstone, L. Grinin, & A. Korotayev (Eds.), *Handbook of revolutions in the 21st century: The new waves of revolutions, and the causes and effects of disruptive political change* (pp. 739–779). Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-030-86468-2_29
- Ritter, D. (2015). *The iron cage of liberalism*. Oxford University Press.
- Rosenstock-Huessy, E. (1931). *Revolution als politischer Begriff in der Neuzeit*. Marcus.
- Rozov, N. (2022). Typology and principles of dynamics of revolutionary waves in world history. In J. A. Goldstone, L. Grinin, & A. Korotayev (Eds.), *Handbook of revolutions in the 21st century: The new waves of revolutions, and the causes and effects of disruptive political change* (pp. 241–264). Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-030-86468-2_9
- Saint-Simon, H. (1975). *Henri Saint-Simon (1760–1825): Selected writings on science, industry, and social organization*. Croom Helm.
- Sanderson, S. K. (2016). *Revolutions: A worldwide introduction to social and political contention* (2nd ed.). Routledge.
- Saprykin, Y. (1975). *Politicheskoye ucheniye Garringtona*. Izd-vo MGU.
- Schwartz, D. C. (1972). Political alienation: The psychology of revolution's first stage. In I. K. Feierabend, R. L. Feierabend, & T. R. Gurr (Eds.), *Anger, violence, and politics: Theories and research* (pp. 58–66). Prentice-Hall.
- Schock, K. (2005). *Unarmed insurrections: People power movements in nondemocracies*. University of Minnesota Press.
- Selbin, E. (2010). *Revolution, rebellion, resistance: The power of story*. Zed Books.
- Selbin, E. (2022). All around the world: Revolutionary potential in the age of authoritarian revanchism. In J. A. Goldstone, L. Grinin, & A. Korotayev (Eds.), *Handbook of revolutions in the 21st century: The new waves of revolutions, and the causes and effects of disruptive political change* (pp. 415–433). Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-030-86468-2_14
- Seleznev, M. (1971). *Sotsial'naya revolyutsiya*. Izdatel'stvo MGU.
- Seleznev, M. (1982). *Marksistsko-leninskaya teoriya sotsial'noy revolyutsii*. Mysl'.
- Semenov, Y., Gobozov, I., & Grinin, L. (2007). *Filosofiya istorii: Problemy i perspektivy*. KomKniga.
- Shaban, M. A. (1979). *The Abbasid revolution*. Cambridge University Press.
- Shama, N. (2019). *To shoot or to defect? Military responses to the Arab uprisings*. Georgetown University Qatar Center for International and Regional Studies.
- Shugart, M. S. (1989). Patterns of revolution. *Theory and Society*, 18, 249–271.

- Shultz, E. (2016). *Teoriya revolutsii: Revolyutsii i sovremennye tsivilizatsii*. Lenand/URSS.
- Skocpol, T. (1979). *States and social revolutions: A comparative analysis of France, Russia, and China*. Cambridge University Press.
- Slinko, E., Bilyuga, S., Zinkina, J., & Korotayev, A. (2017). Regime type and political destabilization in cross-national perspective: A re-analysis. *Cross-Cultural Research*, 51(1), 26–50. <https://doi.org/10.1177/1069397116676485>
- Smelser, N. (1963). *Theory of collective behavior*. Free Press.
- Snyder, R. (1998). Paths out of Sultanistic regimes: Combining structural and voluntarist perspectives. In H. E. Chehabi & J. J. Linz (Eds.), *Sultanistic regimes* (pp. 49–81). Johns Hopkins University Press.
- Sorokin, P. (1925). *The sociology of revolution*. J. B. Lippincott Company.
- Sorokin, P. A. (1992). Sotsiologiya revolyutsii. In P. A. Sorokin (Ed.), *Chelovek. Tsivilizatsiya. Obshchestvo* (pp. 266–294). Politizdat.
- Stinchcombe, A. L. (1965). Stratification among organizations and the sociology of revolution. In J. March (Ed.), *Handbook of organizations* (pp. 169–180). Rand McNally.
- Stone, B. (2014). *The anatomy of revolution revisited: A comparative analysis of England, France, and Russia*. Cambridge University Press.
- Stone, L. (1966). Theories of revolution. *World Politics*, 18(2), 159–176.
- Stradiotto, G. A., & Guo, S. (2010). Transitional modes of democratization and outcomes. *International Journal on World Peace*, 27(4), 5–40.
- Sukharev, Y., & Fedoseev, A. (1984). Ch. 12. Materialisticheskaya dialektika: In 5 vols. (Vol. 4). In F. Konstantinov & V. Marakhov (Eds.), *Dialektika obshchestvennogo razvitiya*. Mysl'.
- Syme, R. (2002). *The Roman revolution*. Oxford University Press.
- Sztompka, P. (1993). *The sociology of social change*. Blackwell.
- Thierry, A. (2012 [1827]). *Lettres sur l'histoire de France*. Classiques Garnier.
- Thiers, L. A. (1881 [1823–1827]). *History of the French revolution*. Bentley.
- Tilly, C. (1975). Revolutions and collective violence. In F. Greenstein & N. Polsby (Eds.), *Handbook of political science* (pp. 483–555). Addison-Wesley.
- Tilly, C. (1978). *From mobilization to revolution*. Addison-Wesley.
- Tiryakian, E. A. (1967). A model of societal change and its lead indicators. In S. Z. Klausner (Ed.), *The study of total societies* (pp. 69–97). Anchor Books.

Tkachuk, M., Romanchuk, A., & Timotin, I. (2022). "Moldovan Spring" 2009: The atypical "revolution" of April 7 and the days that followed. In J. A. Goldstone, L. Grinin, & A. Korotayev (Eds.), *Handbook of revolutions in the 21st century: The new waves of revolutions, and the causes and effects of disruptive political change* (pp. 549–569). Springer.

https://doi.org/10.1007/978-3-030-86468-2_21

Travin, D., & Marganiya, O. (2004). *Evropeyskaya modernizatsiya*. AST.

Trimberger, K. E. (1978). *Revolution from above: Military bureaucrats and development in Japan, Turkey, Egypt, and Peru*. Transaction Books.

Trotsky, L. (1931). *The permanent revolution*. Pioneer.

Tsygankov, V. (2022). Revolutionary waves of the Early Modern period: Types and phases. In J. A. Goldstone, L. Grinin, & A. Korotayev (Eds.), *Handbook of revolutions in the 21st century: The new waves of revolutions, and the causes and effects of disruptive political change* (pp. 265–279). Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-030-86468-2_10

Volgin, V. (1961). *Sen-Simon i Sensimonizm*. Izdatel'stvo Akademii nauk SSSR.

Volodin, A. (Ed.). (1982). *Utopicheskiy sotsializm: Khrestomatiya*. Politizdat.

von Stein, L. (1848). *Die sozialistischen und kommunistischen Bewegungen seit der dritten französischen Revolution*. Wigand.

von Stein, L. (1934). *Staat und Gesellschaft*. Rasher.

Weede, E., & Muller, E. N. (1997). Consequences of revolutions. *Rational Society*, 9, 327–350.

Wickham-Crowley, T. (1992). *Guerrillas and revolution in Latin America*. Princeton University Press.

Winstanley, G. (1950). *The works of Gerrard Winstanley*. Cornell University Press.

Woddis, J. (1972). *New theories of revolution*. Lawrence and Wishart.

Yeaman, G. H. (1986 [1861]). *Revolutions: A lecture*. Morton & Co.

Zagorin, P. (1973). Theories of revolution in contemporary historiography. *Political Science Quarterly*, 88, 23–52.

Zimmermann, E. (1990). On the outcomes of revolutions: Some preliminary considerations. *Sociological Theory*, 8, 33–47.

Abrams, J. (2019). A fifth generation of revolutionary

